

خانه‌ای لازمه را تصویب کنیم . از هر وزارت خانه مبلغی کسر کرده اند اگر از حقوق اجزاء کسر شود فلان مستخدمی که پنجاه تومان حقوق دارد و امور معاش خود را بگذارند وقتی از حقوق او کسر شود لابد بوسایل نامشروع متوجه میشود و این کار ناصحه‌ی است و اگر تقابل مسخدمین منظور است در مملکت ما تجربه شده اعفاء غیرلازم زیادی بواسطه وسایلی که دارند هیچوقت منع نمیشوند و وقتی که بنای اصلاحات شد عضوهای لازم حذف میشوند بدیهی است اگر دولت صد هزار نفر مستخدم لازم داشته باشد باید مخارج آنرا کاملاً پیش بینی نموده پردازد ولی اگر خرج یک وزارت خانه هر یرض و طویلی را که فیر ازمیز و صندلی چیز دیگری ندارد تصویب کنیم تضییع و تغیریط مال ملت را کرده‌ایم و بنده عقبه ندارم تجربیات گذشته بحالی کرد که این اصل بلا تکلیفی بی ترتیبی که بواسطه آن وزارت‌ها نمی‌توانند ادائی تکلیف خود را بگنند ما را بدبیر نیستی خواهند کشید اگر نخواهیم بودجه را اصلاح کنیم باید خرجهای واجبه را تصویب بگنیم راست است این مخارجات لازم است ولی بعضی فوری و فوتی است و بعضی را ممکن است سال دیگر وسائلش را فراهم نمود برای توضیح هرایض خودم مجبوردم به واد ضمیمه جز بجزه مراجعه کنم راجع بحقوق محمدعلی میرزا مذاکرات زیادی شد و بالاخره آقایان برای حفظ شرافت ملت ایران مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان تصویب کرده‌اند عقبه بنده این است که حفظ شرافت ایران بیشتر مارا ملزم میکند که قوای نامبینه خود را تکمیل کنیم حیثیات ما وقتی محفوظ است که در سر ناصر مملکت امنیت برقرار باشد نه اینکه موافق محمدعلی میرزا باعث حفظ شرافت ملک شد راجع ببودجه دربار سلطنتی ذیاد مذاکره نمی‌کنم همین قدر عرض میکنم که در مجلس دوم مبلغی تصویب شده ولی در این مدتی که مجلس شورای اسلامی نبود مقداری ببودجه دربار سلطنتی اضافه شده و ما باید این مبلغ را کسر کنیم زیرا این بولبدون اجازه ملت ایران از خزانه داده شده و باید کسر کنیم در بعضی از ممالک دنیا معمول است در موقع جلوس بودجه برای رئیس جمهور یا سلطان معلوم میشود و همیشه باقی است دیگر به سال مطرح نخواهد شد اگر مبلغی که در دوره دوم مجلس تصویب کرد چیزی داده شده باشد باید آنرا از بودجه آن به کسر و جبران کنیم در موضوع بودجه هشت وزراء چون آقایانی که متصدی امور وزارت میشوند خوشبختانه یا بدینه توانند از تمویل شخصی خود معاش

اصلاح کرده آقایان بکه تصویب میگفند
قیام فرمایند - احکم زماینده گان قیام
نمودند)

روئیسی - تصویب شده در نام را پورت
کمیسیون بودجه رأی گرفته شد . با الفعل
شور در کلیات است آقای ارباب کبخش رو
شور در کلیات است آقای ارباب کبخش و
(اجازه)

ارباب کیهانیه و - بنده در قسمت
معارف خواستم از آقای منیر شوالی بگنم
بموجب یک لایحه که از طرف پنج مدرسه
نوشته شده است راجع بهبلغی که برای
کمل و اعانت به مدارس ملی در بودجه پیش بینی
شده اینطور اظهار میدارند که این بودجه
اعانه برای تمام مدارس ملی نیست آبا وزارت
معارف نظر خاصی پیدا کرده خوب است
این مسئله را توضیح بفرمایند که تکلیف
معلوم باشد .

مخبر - خود بنده هم آن لایحه
مدارس را دیدم و برای بنده هم فرستاده
بودند ولی این اشتباه در اصل مسئله شده
وزارت معارف در تحت هزار اعانه به
کلیه مدارس ملی مبلغ پیشنهاد نکرده
بود که کمیسیون تصویب کرده باشد آن
مبلغ به تساوی بین مدارس تقسیم شود
چیزی را که وزارت معارف پیشنهاد کرده
بود یک اعانه های خصوصی که سابقاً به
یک عدد از مدارس میدادند و در حقیقت
جزء بودجه جاری و معمول بوزارت معارف
پیش از این ترجیح پیدا کرده اند وزارت
معارف صورت جزء آنها را بکمیسیون
آورده و تصویب شد و با این ترتیب این
اعانه بهمان مدارس معینه انحصار پیدا
میگردند ولی اگر بخواهند به تمام مدارس
داده شود باید در صحن بودجه ترجیح را
تغییر دهند .

روئیسی - آقای حائری زاده
(اجازه نطق)

حائری زاده - بنده در شوراول
عرض کردم که این لایحه لایحه بودجه
نیست و تقریباً یک طرح ریزی برای
تشکیلات مملکتی شده است و اگر پول
داشتم برای ما خیلی چیزها لازم بود
متلا باید وزارت معارف بودجه خیلی سنگینی
پیشنهاد کند و وسائل تعلیمات اجباری را
در همه جا فراهم کند وزارت خانه های دیگر
هوایی مانند در بعضی ممالک هست لازم بود و خیلی
که در بعضی ممالک هست لازم بود و خیلی
اصلاحات و اقدامات است که باید بشود
ولی چون پول ندارم باید مخارج فوری
قوتی را از نظر معونکنیم و بعضی وزارت
خانه ها را حذف کنیم و معمازاج وزارت

جلس در کلی وجزئی مخارج نظارت دارد
بنده نفهمیدم مقصود آقای حاج میرزا علی
محمد چه بوده ؟ اینکه مینویسد باید صورت
مخارج در آخر هر برج به مجلس بیاورند
برای این است که اگر بیک قسمت از آنرا
صلاح نداند رد کنند اگر بنا بود مجلس این
حق را نداشته باشد برای چه صورتش را
مجلس بیاورند عقیده بنده این است که
اگر دولت خرج زاده کرد و مجلس رد
کرد باید از برج بعد کسر شود
رئیس - آقای نظام الدوام
(اجازه)

نظام الدوام - بنده از اظهار ارات
که شدنخیلی تعجب می کنم وقتی بیک دولتی
طرف اعتماد مجلس است و چهل هزار تومن
بوجب اجازه مجلس خرج می کند و صورت
آنرا تقدیم مجلس بینماید دیگر چه طور
مجلس آنرا رد کند از کی باید بگیرند و
از کجا باید کسر کند ؟ بنده این اظهار ارات
را صحیح نمیدانم ولی باید صورت مخارج
مجلس فرستاده شود که مجلس مستحضر
باشد .

رئیس - آقای زنجانی هم
موافقند ؟

آقاشیخ ابراهیم - بنده بخواستم
در این مسئله توضیحی بدهم

رئیس - آقای فهیم الملک چه
طور ؟

فهیم الملک - موافقم

رئیس - آقای زنجانی
(اجازه)

آقاشیخ ابراهیم - گویا آقایان
اشتباه فرموده اند مسئله ای که آقای سید یعقوب
باید تصویب شود صورت مخارج را هم که
بیاورند مثل سایر قوانین تفریغ بودجه ها
خواهد بود و اگر مجلس اعتراضی داشته
باشد منوط به بودجه های بعد خواهد بود
علاوه این مذاکره مردندارد

رئیس - آقای فهیم الملک .

آقای فهیم الملک - اگر چه آقای زنجانی
تو ضیح فرمودند ولی بنده هم بخواهم خاطر
آقای سید یعقوب را متذکر کنم که ابتدا
مجلس باید در مخارج نظارت کند و باید تمام
مخارج را جزء بجزء تصویب نماید ولی در
موقعی که فانون تفریغ بودجه به مجلس میاید
مخارج تمام بودجه هارا پس از خرج شدن
مجلس می بیند که بچه مصرف رسیده و هر
مصرفی که مجلس بی مورد میداند مؤاخذه
میگیرد این مخارج هم مثل همان مخارج است
بنابراین دیگر ایرادی باقی نمی ماند .

رئیس - دیگر ایرادی نیست - رأی
میگیریم بامداده ششم به ترتیبی که کمپرسیون

بودجه تکلیفی برای این وجه اعتبار معین شده حالا اگر دولت یک وقتی یک مخارجی بگند که مجلس آن را تصویب ننماید باید برگردید یا اینکه در آنیه این قبیل مخارج را نگند این یک مطلبی است ولی در هر حال مرتبه با این اصلاح نیست زیرا این اصلاح برای این است که اگر در آخر هر برج این صورت به مجلس نیامد دولت حق ندارد مطابق تصویب نامه از این وجه اعتبار خرچی بگند تا اینکه صورت مخارج گذشته به مجلس باید

رؤیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - در این ماده که آقای ارباب کیخسرو را جم به آن پیشنهاد فرموده اند در واقع بمنزله یک قرق یک سنگریست در مقابل دولت که بدون اینکه صورت آن به مجلس داده شود برج بعد نتواند از این اعتبار صرف کند بند خواستم بگویم اگر دولت مطابق تصویب نامه خرچی کرد واکثریت مجلس آن را رد نمود آیا تکلیف آن چه خواهد شد؟ باید این مسئله در مجلس مذاکره شود تا تکلیف دولت معلوم باشد

رؤیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بند بند نیست که بعد از آنکه مجلس معادل چهل هزار تومن بدوای اعتبار داد دیگر نمیتواند آن مخارجی را که دولت مطابق تصویب نامه کرده را که برای اینکه امروز این اعتبار بدوای کار طرف اعتماد مجلس است داده بیشود و گمان میکنم مجلس آن را رد نخواهد کرد

رؤیس - دیگر اعتراضی نیست (اظهاری نشد)

این ماده مجدداً قرائت میشود و نسبت به آن رأی میگیریم

(آقای تدبیر مجدداً قرائت نمودند)

رؤیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بند ملتیفت نشدم شرح که آقای حاج میرزا علی محمد فرمودند از روی چه قاعده بود این ماده میگوید صورت این خرج را باید در آخر در ماه مجلس به اورند و نظریات مجلس در آن تعلق بگیرد نه این است که مجلس این چهل هزار تومن را بدوای اعتبار میدهد که دولت هر کار میخواهد بگند البته هیئت وزرای کار طرف اطمینان مجلس هستند خرج مخارج از حدود قانون نخواهد کرد ولی نظارت مجلس برای این است که بر روی هر قسمی که اصلاح نمیداند قلم بگشود هر قدر هم وزراء محل اطمینان مجلس باشند

بنده توضیحی میخواهم و خوب بود از طرف دولت هم کسی بود که جواب بنده را بیداد مدتی است این لایحه بودجه مطرح است و بالاخره بر حسب ضرورت ما موفق بتعديل جمع و خرج شده ايم و بطور کلی بدولت اجازه داده ميشود که در حدود اين لایحه بودجه سنه آتبه را تهيه کنند و ضمناً مذاکره شد که اين کسور را از مغارج غير ضروري و حذف ادارات زائده جبران کنند لیکن يك چيزهای در ضمن عمل در اينمدت ديدمه بشود که برخلاف مقصود است مثلاً دروزارت ماليه امرداده اند که بطور کلی يك ثلث از حقوق اجزاء را کسر کنندند یهی است در تحت اثر يك چنین حکمی بالاخره صدمه کلی بر طبقات زير داشت که داراي حقوق جزئی هستند وارد ميآيد والبته در مورد موآخنه و مجازات هم زودتر از هم آنها طرف توجه واقع ميشوند و شاید من آنها یايانیکه عقبه بکسر حقوق داشته اند اخيراً با يك حقوق گزافي قبول ايات کرده اند وبالاخره عقبه بنده اين است متوجه باشيم آنچه کسر بودجه داريم مابين ايانات و فرمائمند مابين و مقامات عالي قسمت شرد که اگر از حقوق طبقات یست هجالتاً شود که اگر از حقوق طبقات یست هجالتاً يك ثلث کسر بشود از طبقات عالي نيز کسر شود مقصود ما از اين اصلاحات اين بوده است که حتی الامکان بطبقات پائين همانطور که مذاکره بشود حقوق کافی بدهند و آنها را مسئول قرار دهنده که دیگر راه اختلاسي برای آنها باق نماند ولی نسبت بطبقات عالي بطوري که آقای حائری زاده عقبه دارند بنده عقيده ندارم و عرض نمیکنم هر کسی تمويل دارد خدمت مجانی کند کنه خير هر مليو نري هم خدمت مجانی کند بنده به او اطمینان ندارم زير اين درجه فدا کاري را بنده در بچكش نمی بینم ولی باندازه که بودجه ما كفاف دهد خوب است همان مقامات عالي که در مقام مذاکره احساسات مجدانه بروز ميدند حاضر شوند با وجه کمتری خدمات بزرگتری انجام دهنده بعبارة اخري آنچه را که برای دیگران می پستندند نسبت بخودشان هم امتحان بدهند که معلوم شود از روی عقيده است حالانه مبدانم دولت تصميم گرفته است از حقوق کلیه اجزاء توان شمار کسر کنند يا اينکه میخواهند ادارات را کم بکنند که اين بودجه تکافو بكنند؟

گمان میکنم مقصود مجلس شق اخیر بود حالا اگر از طرف دولت اطمینان میدادند که منظور اصلی مجلس کاظمدادی صدقه و بیهار گان است رعایت خواهد شد ما یهی تمطیش میشیدیم هماون وزارت خارجه - بنده میخواستم در جواب آقای فهیم الملک توضیحی عرض کنم نظر دولت بطور کلی

در این مدت مديدي که وزارت فوائد ها داشتيم چه کرده اند راه شوسه قزوين و گرمانشاهان راه شوسه سیستان که دیگران از نقطه نظر دیگر مطلع نموده اند بوزیر ماليه باید منظم و مرتب هواید آنها را ضبط کنند و منافع راههاي را که اميانيها اداره میکنند جمع آوري کند یکی از آفایان در موقع شور اول فرمودند وجود ناقص کم کم کامل بشود بنده وجود ناقص وزارت فوائد هامه را که تمامش خرج بيهوده باشد بدتر از عدم حرف میدانم وقتی در مملکت ما یول بيدا شد و يك بودجه سنجيفني برای وزارت فوائد هامه به مجلس پيشنهاد شد و يك عدد مهندسيني رفته است و چهار محکمه استیناف اين مملکت را باید پيدا کردن آنوقت وزارت فوائد هامه لازم است در آن موقع میتوانيم شصت هزار تoman برای کرسی نشیان وزارت فوائد هامه تصویب کنیم ولی فعل این شصت هزار تoman مغارج را بنده تضییع مال ملت میدانم. معادن مس . صرب . ذغال سنگ در یزد هست ولی وسائل استخراج آنها نیست البته وزارت فوائد هامه باید وسائل بکار آنها ختن تروت را فراهم کند و شصت هزار تoman برای کرسی نشیان وزارت فوائد هامه يك چيز زیادي است .

راجع بوزارت معارف چون بموجب نظامنامه داخلی بنده حقی ندارم بیشتر از آنچه دولت پيشنهاد کرده پيشنهاد کنم همینقدر يك سوال از آقای مخبر دارم که آيا اين بودجه که از تصویب مجلس گذراندند علاوه بر پول است که خود مردم برای معارف از قبیل توانی يك عباسی و خرواری يك قران یا ازمالات نوافلی در شهرها میپردازند یا اينکه اين مبلغ جزئی دامنه بصرف دیگر میسانند اگر شق اول باشد يك علاقه همراه باشند و همچنانه این مبلغ که بعضی از هنوز توانته ام ملتفت شوم که بعضی از وزارت خانه ها نباید عایدات داشته باشد يك علاقه همراه باشند و همچنانه این مبلغ که بعضی از دار باشد وزیر معارف باید پول بگیرد و آدم برای مملکت تهیه نمود وزارت خارجه باید پول بگیرد و سیاست خارجي ما را

رئیس - آقای حائری زاده نسبت به شاعر اظهاری فرمودند که گمان میکنم مملکت و را در انتظار خیرخواهان و علاقمندان به مملکت باشد اگر ایشان بتاریخ مراجعت کنند خواهند دید که شاعر این مملکت همیشه در حفظ حدود و نفوذ این مملکت کوشیده و حتى در چند قبلاً بافوای ملت شریک بود و اگر هم عناصر غیر صالح در میان شاعر باشد اختصاص آنها نداشته در سایر نقاط هم پيدا میشود .

(از طرف نمایندگان - صحیح است)
رئیس - آقای فهیم الملک با رایورت موافقید ؟
فهیم الملک - توضیحی میخواهم
رئیس - بفرمائید :
فهیم الملک - راجع برایورت

بنظر بنده صحیح نیست اگر وزارت داخله و وزارت جنگ یکی بشود و کارهای انتظاماتی را يك وزیر عهده دار بشود خرج ماخبلی کمتر خواهد شد و انتظامات مملکت هم بعفيده بنده بهتر خواهد شد راجع نیست و تلگراف این وزارت خانه هم يك منبع هایدانتیست بنده عقیده ندارم يك وزیر کل مخصوص لازم داشته باشد يك مدیر کل لازم دارد که در تحت نظر وزارت ماليه باشد وزیر ماليه مسؤول اداره کردن است و تلگراف باشد لازم نیست اسماً هفت هشت وزارت خانه انتشاری داشته باشیم . راجع در مملکت ما یول بيدا شد و يك بودجه سنجيفني برای وزارت فوائد هامه به مجلس بعدیه اگر همین شکلی که آقای سردار مهندس اعظم از شنیدنچهارده محکمه ابتدائی و چهار محکمه استیناف این مملکت را باید پیدا کردن آنوقت وزارت عدلیه لازم نیست خود آقای رئیس وزراء ممکن است این چهارده محکمه را اداره نمایند و احکام اجزاء را بنویسند و یا اینکه وزارت معارف این چهارده محکمه ابتدائی و چهار محکمه استیناف را اداره کنند . ما اگر نخواهیم يك وزارت خانه برای چهارده محکمه ابتدائی و چهار محکمه استیناف را اختیار باشیم چرا يك بخواهیم کرسی برای اشخاص زیاد کنیم ترتیبه دیگری ندارد راجع وزارت فوائد هامه هم در شور اول عرض کردم که هایدات و وزارت فوائد هامه درسته بیچی قیل تقریباً پنج هزار تoman بوده بودجه وزارت فوائد هامه مشتاد و هشت هزار تoman و چندان فرق ندارد یکنفر ملاک دوشکل حقوق میباشین خود را که عایدات او را جمع آوری میکنند میدهد یا از عایداتی که جمع آوری میکنند صدی دو یا صدی سه هزار عایدات یا زیاد باشد میکنند و یا در سال فلان مبلغ حقوق میدهد که عایدات او را بطور امامی جمع آوری کنند . اگر امناء و تحصیلداران و مباشرین طرف اطمینان میباشند تقریباً شق اول را اختیار خواهند کرد . و بطور امامی واگذار نمیکنند اگر دیدیم امناء بتكالیف خود رفتار نکرده اند دیگر چجهت دارد این رویه را اتخاذ کنیم بنا بر این بنده عقیده دارم صدی پنج هایدات برای جمع آوری هایدات معین شود (البته اشخاصی که برای مباشرت و تعصیلداری معین میشوند اگر اشخاص لا یقی باشند زیاد تر حقوق میگیرند ولی هایدات راهم زیاد تر وصول میکنند اگر بخواهیم خرج را تقلیل کنیم و از بودجه وزارت ماليه فلان مبلغ بکاملاً لبد لطفه آن بهمودرین جزء وارد میآید و از حقوق آنها کاسته میشود آنها هم لابد بوسائل نامشروع امور خود را میگذرانند بدیهی است با این ترتیب ماليه مملکت بیشتر تضییع و تغییط میشود : در موضوع وزارت داخله و وزارت جنگ بنده هنوز نتوانسته ام بفهم مسؤول انتظامات این مملکت و را در انتظار خیرخواهان و علاقمندان به تهیه نکنند پس وجودش برای چیست؟ وزارت ماليه هر چهار عایداتی در مملکت پیدا شود سهم دولت را بایدمطالبه کند و بگوید شما که در سایه امنیت و آسایش این عایدات را تحسیل کرده اید حق دولت را که برای امنیت را بگیرد و راههای صعب المبور را صاف کند خط آهن بکشد و بالاخره وسائل آبادی مملکت را تهیه نماید اگر بزبرد و الدعاء فقط اظهار کند يك مغارجی برای کرسی نشیان لازم دارم اصلاً وجودش لازم نیست وزارت داخله هستند . در بودجه بیچی قیل وزارت داخله تقریباً برای حکام و فرمانفرماها هفتصد و شانزده هزار تoman حقوق معین شده و برای قارسورانی و امنیت هفتصد هزار تoman فرع زائد بر اصل است و این ترتیب

تمام طلاها را برده‌اند و اگر تمام طلاهای
نرفته باشد یک قسیت عمدۀ طلاهای این
ملکت در مقابله با واردات رفته است و چنان‌که
هرض کردم وزارت فوائید و امّا باید
جدیتی بگند که تا اندازه صادرات
این مملکت زیاد شود برای این‌که اگر
تجارت مملکت بحال امروز باقی بماند
تصور می‌کنم طوای نکشد که دیگر یک
نفر فنی در این مملکت باقی نماند گرچه
دیر شده است ولی باز وقت آن هست که
مجلس تعقیب کند و دولت را وادار کند که
یک فکر اساسی برای این کار بگند و با این
حال فلنجی که در امر تجارت این مملکت
امروز بروز کرده خاتمه داده شود اگر در
نظر آقایان باشد چندی پیش هشت تجارت
یک پیشنهادی برای جلوگیری از واردات
نمودند و مناسفانه نمیدانم پس از آن‌که به
کمپرسیون فوائد عامه رفت در آنجا چه شد؟
نمیدانم غرق شد؟ مفقود شد؟ مرحوم شد؟

هر جهت از بین رفت گرچه تمام آن
پیشنهاد قابل توجه نبود ولی سزاوار نبود
کمیسیون فوائد عامه بگلی آفرامسکوت همه
بگذارد.

خوب بود آن قسمتی‌ای که قابل اجرا بود به مجلس پیشنهاد کند که مجلس دولت را وادار کند آنها را اجراء کنند ولی مناسفانه این کار را نکردند و حالا مدتی است که اصلاً حرفی از آن بگوش بندم خود رده.

در هر حال فقط وزارت تهانه‌ای که می‌تواند این کار را بکند یعنی صادرات را زیاد و واردات را کم بکند همان وزارت تجارت و فواید عالم است که باید یک فکر اساسی برای اینکار بکند بنده سوالی که از هشت دولت کرده‌ام که هنوز تشریف نیاورده‌اند که جواب بدند راجع بمعاهده تجارتی با روسیه است که در ضمن آن معاهده تجارتی شاید دولت موفق شود ترانزیت واردات را هم از دولت روسیه بگیرد که تجارت خود را مرتب کند و این فلنجی که تجارت ایران وارد شده رفع و ملت از این پدیده بختی بیرون بیاید و یگانه وزارت تهانه‌ای که باید این مسئله را تعقیب کند همان وزارت تجارت است.

حالا اگر این وزارت توانه بوظایف خود عمل نکرده است باید ما معتقد شویم که وزارت فوائد عامه و تجارت نمی خواهیم بلکه باید تعقیب کنیم که وزارت فوائد عامه و تجارت بمتکالب خود عمل کرده مؤسسه اش را تکمیل بکند و عملیات خود را توسعه دهد.

این است نظریه بنده نسبت بوزارت فوائد عامه و چیزی که برای مملکت الزام از هر چیز است همان وزارت فوائد عامه

قسمت دیگر از فرمایشات امروز شان این بودا که
بنا بشود از حقوق مستخدمین کسر شود
آن مستخدم مجبور می‌شود بواسطه نا -
مشروع زندگانی خودش را اداره کند و
همچنین انفصال بعضی مستخدمین را هم
معتقد نبودند و می‌فرمودند تجربه کرده‌ایم
وقتی بنا با انفصال شداسه‌خاص لایق منفصل
می‌شوند و نالایقه‌ها می‌مانند بنا براین باید
هیچ‌وقت اجزارا منفصل نکرد آنوقت با
این فرمایش، که می‌فرمایند حقوق کسر
نشود و اعضاء هم‌خارج نشوند مالیه‌را هم
که می‌فرمایند با صدی پنج اداره شود در این
صورت چه باید کرد پس کرامت باید کرد
البته یا باید از عدد اعضاء کسر شود یا از
حقوق آنها محدود آقا این است که از هیچ
یک از اینها کسر نشود پس این پنج شش
کروز مخارج مالیه که در بودجه سنه پیچی ثبل
بوده و حالا می‌خواهیم از آن کسر بگذیم
و بصد پنج بر سازیم بچه نحو باید این کار را
بگذیم اگر راهی در نظر شما هست بفرمایید

و پیشنهاد نماید دو وزارت مالیه و از اجزاء
ونه از حقوق آنها کسر کند و مخارج را به
صد پنج بر ساند بهر حال یا من اشتباه کردام
با آقا اشتباه فرمودند راجع بوزارت فوائد
عامه مکرر در ضمن فرمایشاتشان می فرمایند
که وزارت فوائد عامه لازم نیست بلی وزارت
فوائد عامه در اینکه تابع عالیت کارهای
رجسته نگردد بنده هم تصدیق می کنم ولی
رمقابل اینکه تمام این مسئله اقتصاد و تجارت
را تعقیب کرده و تمام یا شرفت های خودشان
امم از ازانه های اینکه این کنترل آن

امروز از این راه تحریک میکنند امروز
ادر چنین موقعي ویک چنین دنیاگی نمی -
و اینم بگوئیم وزارت تجارت لازم نداریم
گرچه تابحال وزارت فوائد عامه قدمهای
رجسته بر نداشته و عملیات نمایانی نکرده
ست ولی باید بدانیم حیات مملکت بسته
وزارت فلاحت و تجارت است و باید فوائد
عامه و تجارت را تعقیب کرد که ثروتهای
اخلی یعنی معادنرا که از وظایف وزارت
واید عامه است استخراج کنند یکی هم
مسئله تعداد است که این وزارت خانه باید
نراهم تعقیب کند ویک نتایج خوبی از
بن راه تحریک کرده ویک خدماتی به ملت
مملکت بکنند بزرگترین بدیختی که
مروز دوچار این مملکت شده همان مسئله
نمایانی است

اعرض بکنم برای اینکه مر بوط بیشنهاد
ود ولی چون پیش آمده هر رض می کنم از
نندی باین طرف چنانکه آفایانهم مسیوق
ستند واردات این مملکت دو برابر و
مادرات این مملکت تقریباً به صفر رسیده
است این است که این فقر عمومی که بر همه
شهود است در این مملکت نفوذ کرده
یرا بواسطه انقلابات روسیه و چنین بین.
مللی هر چه در ایران وارد می شود در
قابل آن واردات باید طلا داد و تا امروز

عقیده را نداشتم و هر ضمی کنم این وجه
اعانه برای کمک به مدارس ملی است یعنی
برای مدارسی است که بودجه اش کافی برای
نخارج آن نیست برای مدارسی است که
خرچش بیش از دخلش است و دولت باید
کمک کند که آن مدارس دائم بماند و از
این راه خدمتی بمعارف بشود و تصور می
کنم عقیده کمپسیون هم همین بوده ولی اگر
مدارس را که وزارت معارف اسم میرد
کسر بودجه ندارد غلط است با آنها چیزی
داده شود بلکه باید به مدارسی داده شود که
کسر بودجه دارند این است که لازم بود در
مقابل فرمایشات آقای ارباب کیخسرو
هر ضمی کنم عقیده بنده ورقه ای بنده این بوده
است حالا وارد می شوم در فرمایشات آقای
حائزی زاده بنده تصور می کردم ایشان
در فرمایشات را که در جلسات قبل می فرمودند
ک اصلی را در نظر گرفته اند و از روی آن
صل فرمایش می فرمایند حالا بنده می بینم
این فرمایش امروزی ایشان مخالف

فرمایشاتی است که در جلسات قبل فرمودند
حالا یابنده فرماوش کرده ام یا ایشان اصل
ابتی خود اتخاذ نکرده اند حالا فرمایشات
یشان را هر رض می کنم نظریات ایشان این
و د که حکومت ملی تشکیل شود و عنوان
حکومت اشرافی در بین ایشاند ولی امروز
رضمن فرمایشان در کلمات لا یخوا بودجه
رمودند اشخاصی که متصدی وزارت می -
و اند چون خودشان متمول هستند باید
وق کم بگیرند یا اصلا نکیرند تا از این

اه بایت حدمتی ببودجه مملکت شود این
منافی با آن اصلی است که انتخاب کرده‌اند
عنی اشخاص لایقی که از حبیث تمویل پست
باشند ولی از فضل مرتبه عالی را دارا باشند
یک مصدر امور باشند وقتی چنین اصلی
ا انتخاب فرمودید باید معتقد باشد شغلی
ا که همراه دارمی شوند حقوق آنها باندازه
شده که بتوانند بوظیله خود عمل کنند و
بن اصلی را که معتقدند وزراه حقوق نگیرند
ای اینکه غالباً از اشراف هستند منافی
مت با آنچه که در سابق می‌فرمودند هم.
آنچه این فرمودند وزارت‌خانها باید منحصربه شود
آنچه از وزارتخانه تأسیس شود انتظامات
مالیه و معارف و عدلیه اگر فراموش نکرده
باشند و امر وزمنگر اصل وزارت عدلیه شدند
گفتند وزارت عدلیه لازم نیست آقام

پس وزراه خودشان یک احکامی بدهند و
وریثی انتخاب کنند و این مخالف با مردم خود
نابعه ای است باید شما وقتی قابل وزارت
باشد تعمیق فرمائید که محاکم عدله
باد شود و قوه قضائیه باشد زیرا این
عملی است که خودتان انتخاب فرمودید که
وزارت عدله باشد در مقابلش سه وزارت خانه
یگر هم باشدوای حالا فرمودید وزارت عدله
باشد این بنظر بشه خبلی فربیب است حالانمیدانم
اید نظر دیگری از فرمایشاتشان داشتند یک

این است که دوازد زیادی و مشاغل زیادی را حذف کند و هیچ وقت منظورش این نیست بطور کلی از حقوق اجزاء کسر نماید.

مخالفته ؟

رئیس النجار - بنده مینخواستم
هرض کنم که اظهار آقای ارباب کیخسرو
قابل توجه است و وقت باقی است و در
خصوص بودجه معارف موقعی که بودجه
ها را بیاورند ممکن است صعبت شود .
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
موافقند ؟

محمد‌هاشم‌پیرزا - بلى موافق
رئيس - آفای زنجانى چطاور؟
آقاشیخ ابراهيم - پند موافق

وای بک توضیعه ای میخواهم .
رؤس - آقای مستشار السلطنه موافقید
یا مخالف ؟
مستشار السلطنه - موافقم .
رؤس - آقام حاشیه زاده .

ریس - ای ریزی ریزی
({اجازه})

حافی زاده - چون راجع به شایر
مذاکره شد لازم دانستم توضیح بدهم بدیهی
است عناصر پاک که آلوده بتمدن دروغی
امردزه نشده‌اند در هشایر باقی هستند ولی
معنی ندارد که توب و تفک راشته باشند
اسلحه متعلق بدولت است ما باید اسلحه
را از دعیت بگیریم که بعضی نتوانند به
بعضی دیگر تعهد کنند و اگر عناصر ضاره
در بین هشایر هستند سوه استفاده از این
حالت نکنند .

رئیس - گمان میکنم توضیح
مطلوب از اصل مطلب بدتر بود.

آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله راجع بفرمایش
آقای ارباب کمپنی و لازم است بنده عقیده
و نظریات خود را در خصوص راپورت
کمپیون بودجه عرض کنم و بعدوارد شوم
در یک قسمت از فرمایشات آقای حائری
زاده راجع باعثه مدارس ملی تصور نمی
کنم هبیج یک از آقایانی که در کمپیون
بودجه تشریف داشتند هستند شان این بوده
است که یک نان خانه و شهریه ببعضی مدارس
واشخاص داده شود نظر این وده است که
این اعتباری که کمپیون بودجه مجلس
بوزارت معارف می دهد بهصرف آن مدارس
ملی بر سر کشیده که کسر بودجه دارد گفته شد
(صحیح است) نظر بنده که این بود وحالاهم
هیچ عرض را می کنم حالا اگر آقای مخبر
در این باب هقیقه دیگری داشتند بنده آن

اشخاص مابقی لیاقت باید مزد بگیرند بعضی اشخاص سالها در فرنسستان تحصیل کرده و زحمت کشیده‌اند و مدت‌ها در ادارات دولتی خدمت کردند و رفته رفته حقوقات آنها زیاد شده است و حالا صدوینجاه تو مان دویست تو مان حقوق می‌گیرند همچ منطقی نهاده که ما بگوئیم اجزا از صد تو مان پیشتر حقوق نگیرند اشخاص باید بقدر کفاایت حقوق بگیرند من مخالف بالغ اشراف باین تعبیر که آقایان می‌کنند هستم اشراف در لغت بمعنی سادات است ولی اینجا با شخصی کسر مایه دارند و بدستنند اطلاق می‌شود بهره‌جهت باین ترتیب کار پیش نمی‌رود، مکن است اشخاص لیاقت داشته باشند و از دولت مصدق تو مان حقوق بگیرند و اشخاص باشند که لیاقت نداشته باشند و پازده تو مان حقوق هم زید شان باشد بهر حال بعقبده بنه این پیشنهاد عملی نیست.

رؤیس — آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)

ارباب کیخسرو — بنه در باب این پیشنهاد عرضی نداشتم در باب رأی عرض داشتم.

رؤیس — در باب این پیشنهاد کسی حرف ندارد.

آقای هیرزا هاشم آتشیانی —
تفکیک بفرمائید

رؤیس — تفکیک می‌شود
خبر — اگر بنای تفکیک است بنه یک عرض دارم

رؤیس — بفرمائید
خبر — بنه تصور می‌کنم این

مسئله کسر حقوق مربوط بما نیست برای اینکه دلیل ندارد ما تصمیق بگیریم که فقط از پنجاه تو مان بیشتر را کسر نکنند و از

پنجاه تو مان هفتاد یا هشتاد تو مان حقوق هستند که هفتاد یا هشتاد تو مان حقوق می‌گیرند فقیرند بیچاره‌اند بدستنده‌الها خدمت کرده اند تا باین حقوق رسیده‌اند

برای چه حالا ما از حقوق آنها کسر کنیم ما مگر این حرف را زده‌ایم که تقلیل بودجه را از نقطه نظر کسر حقوق اعضای

فائل نیستیم حتی در موقع مذاکره در بروکرام هم در اینجا گفته شد که ماقائل هستیم از ادارات زائده کم شود ای حقوقات اعضاء زیاد شود و تا حقوق اعضاء زیاد

نشود مستخدم صحیح العمل بیندا نمی‌شود مستخدم ناوقتیکه معاش زندگانی او تأمین نشود ممکن نیست صحیح العمل باشد بعلاوه ما چه کار داریم که داخل اینطلب بشویم این اعتباری است که بدولت داده می‌شود و قبیله بودجه جزء را به مجلس آوردند

بررسید بهینه‌اند اگر از حقوق هائی که کسر کردند بی‌دویه بوده است رد کنند اگر

تصورت جزء اخیر هم مراجعت می‌شود اگر قابل تصویب بود تصویب می‌شود والا می‌گنند مقصود این است که کمیسیون بردجه چیزی را که راجع باعثه مدارس تصویب نموده پس از دیدن اعلام جزء بوده است **رؤیس** — آقایان مذاکرات را کافی نمی‌دانند (بعضی فتنه کافی است) **حائزی زاده** — راجع بفرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله بنده تعجب کردم دارم.

رؤیس — بعدم ممکن است توضیح بدهید رأی می‌گیریم آقایانیکه مذاکرات را گافر میدانند قیام فرمایند (اکثر نماینده‌گان قیام نمودند)

رؤیس — معلوم می‌شود مذاکرات کافی است رأی می‌گیریم رایورت کمیسیون بودجه که حرارت

حائزی زاده — پیشنهاد بنه

قرار نمی‌شود **رؤیس** — چرا قرائت می‌شود
(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم دو ماده ذیل ضمیمه رایورت کمیسیون بودجه شود تنازع

دخل و خرج حاصل شود اولاً — حقوق کسانیکه کمتر از پنجاه

تو مان می‌باشد کسر نشود ثانیاً — حد اکثر حقوق یکصد تو مان

وحد اقل را بانزده تو مان قرار دهنده **رؤیس** — خطاب با آقای حائزی زاده

توضیحی دارید بفرمائید

حائزی زاده — چون این جامد اگر شد فلانکس که تقلیل مخارج را در نظر دارد

چه طریقی غیر از اخراج مستخدمین دولت در نظر گرفته است هر ضمیمه کنم که بنده عقبه دارم اگر بخواهند حقوق مستخدمین

جزء را کسر کنند همان مضاری که عرض کردم پیش می‌باید آنوقت اجزاء مجبور نمی‌باشد معاشه خود را با وسائل نامنوعی

مرتب کنند ولی مستخدمینی که حقوق زیاد می‌گیرند چون اغلب از سرمایه‌دارها هستند اگر از حقوق آنها کسر کنیم کسر بخواهد

شد ممکن است جدا کثر حقوق را صد تو مان وحد اقل آنرا بانزده تو مان قرار دهنده **حائزی زاده** — آقای رئیس وزراء هم صد تو مان بیشتر نگیرند و عجالتاً مستخدمینی که حقوق زیاد می‌گیرند چون اغلب از سرمایه‌دارها هستند اگر از حقوق آنها کسر کنیم کسر بخواهد

دستور می‌گیرند اینها را بخواهند

رؤیس — آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم هیرزا — این پیشنهاد

مطابق این پیشنهاد ما باید بگوئیم تمام افراد مستخدمین از بانزده تو مان کمتر و

از صد تو مان بیشتر نگیرند و حال آنکه

خود را بکمیسیون اطلاع دهنده که بعرض مجلس بررسد و تا کنون هری نرسیده البته باز هم تاکید می‌کنم که شاید زودتر این کار خاتمه بیندازند

نصرة الدوّلہ — مغرب آفای حاج شیخ اسدالله در ضمن اظهارات شان

نسبت باعثه مدارس ملی یک توصیحی دادند که بنده از طرز اظهار ایشان تعجب کردم و بعد هم فرمودند که در قسم‌های دیگر

نمی‌خواهیم مذاکرات را که کمتر بنده ندانستم مقصود

ایشان چیست و گمان می‌کنم تطبیل مذاکرات را باید رأی می‌گیریم آقایانیکه مذاکرات

دشوار بودند بگوییم آنها بایشان قدری تسکین

یابد بهر جهه بنده باید ایشان را متذکر کنم که در کمیسیون بودجه باحضور خودشان

مطابق یک صورت جزء‌ای ملعن خوانده شد مبلغ از آنکه صورت جزء‌ای ملعن خوانده شد بعد

کلی آن در کمیسیون رأی داده شد حالاً اگر ایشان ازین مسئله تعجب کنند و بگویند من

نیستم غیر از این بود تصدیق خواهند کرد که سایرین اگر از نیت ایشان مطلع

نبایش مسؤول نیستند البته میدانند حکم قضایا بسته باوران و اسناد و مذاکرات و

تصمیمی است که در اطراف آن مذاکرات گرفته می‌شود مثلاً اگر درست ملاحظه کنید خواهید دید که پیشنهاد دولت راجع

باعثه مدارس ملی هشت هزار و چهار صد تو مان و تصویب کمیسیون ۸۱۶ تو مان

است این تفاوت از کجا پیدا شده اگریک افلام جزءی را قبل ملاحظه نکرده بودند آنوقت چطور یک قائم را زیاد فرض می‌گردند

و کسر می‌گردند این فرمایش شما خیلی غریب است آنوقت بعضی از آقایان هم که در کمیسیون بودند صدیع است می‌گویند و

معنی نکرده‌ایم و کلیاتش رامعنی کردند ایم دلیل این نیست که ما صورت جزء را نمیدیدیم این نیست که ما صورت جزء را نمیدیدیم ای تو ضمیحی بود راجع بعملیات کمیسیون

نحوه تجارت این مملکت را توسعه بدهد.

اما آن قسمی‌ای که فرمودند کیکی از آنها راجع بوجوده بود که قلاب‌بار سلطنتی داده شده آنها را مسترد دارند داخل شدن در آن موضوع تکلیف بنده نیست البته هر کس یک عقیده دارد عقیده بنده و بعضی از رفقاء که در کمیسیون بودجه بوده‌اند این بود که باید حقوق در بار سلطنتی را مطابق صورت تصویبی مجلس دوم تصویب کنیم و همین طوره‌م رأی دادیم و تصویر می‌کنم در این مدت فترت هم اگر چیزی اضافه داده شده بی مردنبوده برای اینکه در آن مدت گرانی بوده و اعضا در بار هم در نماد باشند نسبت ببودجه های دیگر هم چندان اضافه نشده با اینحال آنرا هم کمیسیون بودجه کسر کرد.

سردار مفخم — اجازه می‌فرمایید راجع به پیشنهاد تجار از طرف کمیسیون فوائد عامه توضیح بدهم؟

رؤیس — بفرمائید

سردار مفخم — کمیسیون فوائد عامه چندین جلسه با حضور نماینده کان تجار و اصناف و آقایان مشیرالدوله و نصرتالدوله مذاکرات شد بالآخره پس از مذاکرات زیاد چندین صلاح داشتند که مسبومولیتر رئیس کمرک هم یک جلسه در کمیسیون حاضر شود نا نظریات اوهم جلب شده و بینیم نظریات اوچیست که بعدچار محدود نشویم در یک جلسه هم مسیو مولیتر در کمیسیون حاضر شد و آقای مشیرالدوله و آقایان دیگرهم که عرض کردم تشریف داشتند مسیو مولیتر اظهار کرد که در دو ماه قبل در وزارت فوائد امه با حضور نماینده وزارت مالیه در اینخصوص کمیسیون تشکیل شده و یکی دو جلسه هم مذاکره شده ولی خاتمه پیدا نکرده و موکول به جلسه بعد شد.

ولی پس از آن از طرف فرائندعامه یا وزارت مالیه جلسه بعد را بن اطلاع ندادند که در آن کمیسیون حاضر شده و باین کار خاتمه دهم آقایانی که در کمیسیون فواید عامه بودند اینطور صلاح داشتند که همان کمیسیونی که در وزارت فوائد عامه قبل تشکیل شده بوده است مجدداً جلسه تشکیل داده و در آنچه مذاکره کیکی و اعضا نظریات دولت و رئیس کمرک و موکول به کمیسیون هرچه شد بکمیسیون فوائد عامه اطلاع بدهند که بعرض مجلس بررسد ولی از آن موقع تا بحال دیگر از وزارت فواید عامه خبری نرسید دو مرتبه اعشار کمک و این هشت هزار و صد و شصت تو مان را تصویب می‌کنند بدون تعیین صورت جزء است راست است که بر حسب پیشنهاد دولت است ولی چون کلیه افلام این لایحه اعتبار می‌گیرند و عجالتاً مستخدمینی که حقوق زیاد از حقوق آنها کسر بخواهد

اعتبار می‌گیرند و این هشت هزار و صد و شصت دولت است ولی این قلم هم اعتبار نیست حالاً اگر خود وزیر معارف بخواهند این اعتبار را تقدیم کنند و بعد در بودجه را بتقسیم کنند و بعد در بودجه جزئی که مجلس می‌آورند یک تقسیم بندی دیگری غیر از این تقسیم بندی که در کمیسیون ارائه داده اند نهایتی که حقوق زیاد افراد مستخدمین از بانزده تو مان کمتر و از صد تو مان بیشتر نگیرند و حال آنکه داشته باشد متنهر در کمیسیون بودجه نوشته شده و تقاضا شده که زودتر نظریات

بهین ملاحظه‌های گوید لدی‌الاقضا مخارج آن بطور متساوی برداخته می‌شود که اگر فرض‌الازم شد کمیسیون بعله‌ان بپایه طرفین مخارج آن را بتساوی بپردازند یا اگر بناده باشند باشندگت برود همین طور مخارج آنرا خواهند داد بهر جهت اینکه می‌نویسند لدی‌الاقضا برای این است که «رجا تشکیل شود مخارج آن اطرافین بپردازند رئیس-آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده یک سوال داشتم و درین اینکه آقای معاون جواب آقای ارباب کیخسرو میدادند موضوع سوال بنده کفته شد ولی جواب آن داده نشده اینجا من نویسد مخارج کمیسیون را دولتين لدی‌الاقضا بطور مقسماً خواهند پرداخت البته وقتی که این عهدنامه منعقد می‌شود مخارجی خواهد داشت که این قید لدی‌الاقضا زائد است البته معلوم است وقتی طرفین قبول کردند کمیسیونی برای رفع اختلافات فیما بین تشکیل شود مخارج دارد دیگر لفظ لدی‌الاقضا معنی ندارد **معاون وزارت خارجه** — این اعضاء اضافی نیستند که در تمام مدت پنج‌الحقوقی بکنند و اعضاء برای کمیسیون معین می‌کنند که در موقع بروز اختلافات کمیسیون را تشکیل دهند وقتی برای کمیسیون کار پیدا شدو کمیسیون مجبور شد جلساتی داشته باشد و اعضاء مجبور به یک مسافرت هائی بشوند آنوقت حقوق به آنها خواهند داد باین جهت نوشته شده است لدی‌الاقضا

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو — با توضیحی که آقای معاون دادند بنده ضرری نمی‌بینم که در اینجا این قسم تصریع شود و مقر کمیسیون معلوم شود برای اینکه مامکر امتحان کرده ایم وقتی یک دولت ضعیف با یک دولت قوی یک معاهده می‌بنداگر رعایت این نکات جزئی رانکند در موقع عمل دیگری اشکالاتی خواهد شد باین واسطه بنده بضرمی‌دانم که در اینجا قید (مرضی‌الطرفین) بشود

هخبر — آقای معاون وزارت خارجه توضیع دادند بنده هم خاطر آقای ارباب را متذکرمی کنم که دریک مسائلی که خودشانهم تصدیق می‌فرمایند چندان اهمیتی ندارد ما نباید زیاد اصرار داشته باشیم على‌الخصوص عهدنامه‌های اصلاح و تصویب شده اگرما بخواهیم عبارت آنرا تغیر بدھیم باید طرف مقابل هم همین کار را بکنند و آنوقت لازمه اش این است کیان مذاکراتی فیما بین طرفین بشود و مدتی طول خواهد کشید البته اگر مطلب یک

آقایان را مستحضر نمایم که پس از شوراول هم‌نامه از طرف دولت یک پیشنهاد جهت بدل برای حذف ماده هجدهم این عهدنامه رسیده است چون دولت امریکا در این عهدنامه و کلیه نظائر آن که با دولت دیگر بسته است مفاد ماده هجدهم را حذف کرده است در کمیسیون باین پیشنهاد دولت مراجعت شد و نظر باینکه دولت همیشه می‌تواند در مواد پیشنهادی خود ماده را ایس بگیرد در کمیسیون هم نظریه دولت تصویب شد و ماده هجدهم حذف گردید.

رئیس - در ماده اول مخالفی نیست (بعضی تقاضا نمودند قرائت نمودند)

(**بشرح ذیل قرائت شد**)
ماده اول — طرفین مقام‌آهندگان معظم قبل می‌نایند که کلیه اختلافات حاصله بین خود را از هر قبیل که باشد در صورتیکه مسائل دیلمانیکی بحل آن موفق نگردد و برای تحقیق و تهیه رایورت به کمیسیون بین‌المللی که بطریق مذکور در ماده بعد باید تشکیل شود رجوع نماید و نیز متعهد می‌شوند در مدتیکه کمیسیون مشغول تحقیق و تهیه رایورت است اهلان چنانکه نه نموده آغاز مذاهمه نکند.

رئیس - در این ماده مخالفی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - ماده دوم قرائت می‌شود (به ترتیب ذیل قرائت شد)
کمیسیون بین‌الملل باید مرکب از ینچه عضو باشد که بطریق ذیل انتخاب خواهند گردید هر یک از دولتين یک عضو از مملکت خود معین نموده و یک عضو نیز از مملکت ثالثی تعیین خواهد کرد عضویت یعنی موافق مشترک که دولتين انتخاب خواهد شد مخارج کمیسیون را دولتين لدی‌الاقضا بطور متساوی خواهند پرداخت. کمیسیون بین‌المللی باید در ظرف چهار ماه پس از میادله تصدق نامه‌های این معاهده تشکیل شود و هر گاه بجهتی یکی از اعضاء کمیسیون از میان برود تکمیل اعضاء بطریق انتخاب اصلی بعمل خواهد آمد

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو — چون در اینجا تصریع نشده است که این کمیسیون در کجا متفق خواهد شد بنده لازم میدانم محل انعقاد کمیسیون تصریع شود معاون وزارت خارجه — تصور من کنم تصریع لازم نباشد چون این مسئله بسته با احتیاجات و تراصی طرفین است و غالباً اتفاق می‌افتد که در مملکت ثالثی کمیسیون منعقد می‌شود و هیچ تفاوت هم نمی‌کند که این کمیسیون در طهران یا واثفکتن یا هم‌ملکت ثالثی تشکیل شود و

لامده است رأی گرفته می‌شود آقایان که تصویب می‌کنند ورقه سفید و آقایان که تصویب نمی‌کنند ورقه کبود خواهند داد. در این وقت اخذ آرای عمل آمد آقای سهام‌السلطان اوراق

رأی را تعداد نموده به ترتیب ذیل نتیجه حاصل شد

عده حضار ۷۱ ورقه سفید (علامت ۹ قبول) ۷۰ ورقه کبود (علامت رد) ۰

امتناع ۹ رئیس - با کثرت ۷۰ رأی از هفتاد و یک در آقایان نایند گان حاضر تصویب شد).

(**اسمی قبول کنند گان**)

آقایان سردار مفخم — محمد هاشم میرزا — عmad‌السلطنه خراسانی — عدل‌السلطنه — ارباب کیخسرو — حاج میرزا اسدالله خان — امین التجار عmad‌السلطنه طباطبائی — صمام‌السلطنه حاج نصیر‌السلطنه — مساوات — سلیمان میرزا — امیرناصر — امین الشریعه — منتظر‌الملک — آقای شیخ ابراهیم زنجانی

نظم‌العلماء — آصف‌المالک — حاج میرزا عبد‌الوهاب — حاج میرزا علی‌محمد دولت آبادی — آقا سید یعقوب —

جلیل‌الملک — فہیم‌الملک — اقبال —

السلطان — سید‌الملک — معتمد

السلطنه — ملک‌آرایی — حاج شیخ اسدالله — نصیر‌دیوان — شیخ‌الرافین

زاده — قوام‌الدوله — وکیل‌الملک — وکن‌الملک — دکتر لقمان — مستشار

السلطنه — شهاب‌الملک — آقا سید

حسن کاشانی — بیان‌الملک — شیخ‌الاسلام ملایری — بیان‌الدوله — آقای میرزا

هاشم آشتیانی — شیخ‌الاسلام اصفهانی — صدر‌الاسلام ابهری — آقا میرزا طاهر

تنکابنی — آقاسید محمد تقی طباطبائی — نصرت‌الدوله — آقای سید محمد تدین

صمام‌السلطنه — احتشام‌الدوله — وقار

الملک — نظام‌الدوله — میرزا محمد نجات — سردار جنک — آقاسید کاظم

یزدی — غضنفر خان — سردار معظم کردستانی — دیوبیان التجار

(**اسمی رد کنند گان**)

آقایان — مدرس — حائزی زاده

حاج میرزا سرتضی — آقای میرزا علی کازرانی — محقق‌العلماء

رئیس — اگر آقایان موافق باشند چند

دقیقه تنفس شود (در این موقع آقایان نایند گان نمایند گان

برای تنفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت مجدد جلسه تشکیل گردید)

رئیس — عهدنامه حکم‌بین ایران

و اتازوی مطرح است نصرت‌الدوله مخبر

کمیسیون خارجه می‌خواهم قلاخاطر معترم

از دوازد زیادی حذف نکرده‌اند آن دوازد را حذف کنند بنابراین بنده عقیده ندارم مقامات داخل این مسئله شویم.

رئیس-آقای حائزی زاده (اجازه)

حائزی زاده — فرمایش حضرت والا این است که باید از حقوق زیاد داد

نا اشخاص صحیح العمل بیدا شوند ولی بدین‌جهات تابعال هرچه تجربه شده است

اینها یک‌سیری بوده است که ای‌الهای بزرگ بنام اصلاحات وزارت مالیه در روزنامه اعلام کرده است که ثلث حقوق اعضاء باید کسر شود و این صحیح نیست زیرا درباره اشخاصی که حقوق شان از هنجهام تومن کمتر است این‌یک ظلم فاحش است

والبته اگر حقوق این فقرات کسر شود یا آنها بیرون کنند و چهار اشکالات دیگری خواهند شد بنابراین خوب است ازینجا

تومن بیانیں را کسر نکنند

رئیس — رأی من کمیم بقسمت اول پیشنهاد آقای حائزی زاده یعنی از پنجاه تومن کمتر کسر کسر نشود آقایانیکه این قسمت را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(**عده قلیلی قیام نمودند**)

رئیس-تصویب نشد

حائزی زاده — قسمت نانی را هس

می‌کیم مجلس رأی که نمی‌دهد

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو — بنده خواستم

سؤال کنم که شکل گرفتن این رأی بجهه

نحو خواهد بود؟ و رأی در چه گرفته می‌شود

و حدود این اعتباری که وارد می‌شود بجهه

منوال است؟ برای این‌جهه تصور می‌کنم

بله قسمت هایی فراموش شده یا هنوز

توانسته‌اند باین لایحه ضمیمه کنند مثل

خرج راه شویه از طهران برست و قره

تو که تقریباً ۲۵۰ هزار تومن وزارت

فواید عامه در نظر گرفته است یا راههای

قم و هر آن وغیره که عواید آنها هنوز

پیشنهاد نشده بلکه عواید هیچ‌جا پیشنهاد

نشده این قسمت خرج از چه نقطه نظر

پیشنهاد نشده شاید مشکلاتی داشته‌اند

که نتوانسته‌اند اطلاع بدنهند یا فراموش

گردد اند و شاید نظائر دیگر هم داشته

باشد بهره‌جت می‌خواهم بدایم این رأی

که گرفته می‌شود بجهه گرفته می‌شود

خرج احتسابی گرفته می‌شود و مخارج محدود

بهمین اعتبار می‌شود یا خیر چیزهایی که

از قام افتاده است در آن‌جهه ممکن است

ضمیمه شود.

رئیس - بالفعل باین لایحه که مشتمل بر

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

**رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
مخالفید**

حجاج شیخ اسدالله - بنده موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

اعتراض خود تا زیرا نوشته ایدیا خیر

حجاج هیرزا هر قصی - خمید

ننوشتم ؟

رئیس - ماده ۳۲ نظامنامه داخلی

را خوب است باز مراجعته بفرمانید حالا

اگر فرمایشی دارید بفرمانید ولی بعد از

این بایدمواد نظامنامه رعایت شود

حجاج هیرزا هر قصی - خیر دیگر

عرضی ندارم

رئیس - ماده چهارم که حذف شده

است . ماده پنجم قرائت می شود

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - این معاهده باید از طرف

اهلیحضرت همایونی پادشاه ایران با تصویب

مجلس ملی و از طرف رئیس جمهوری

اندازونی با موافقت و تصویب سنای آن

ملکت تصدیق و امضاء شده تصدیق نامه

های راجعه با آن هرچه زودتر مبادله کردد

این معاهده بالافصله پس از مبادله تصدیق -

نامه ها اعتبار پیدا نموده تا مدت ینچنان

با عاقلاً خود باقی خواهد بود و بعد از انقضای

مدت ینچنان هر کاهیکی از طرفین متعاهدین

بطرف دیگر اعلام نماید که می خواهد

باین معاهده خانه دهد از تاریخ این اعلام

تا مدت دوازده ماه دیگر باز معاهده باعتبار

خود باقی خواهد بود تصدیق کما قبل

نمایند کان این معاهده را امضاء نموده و

به هر خود مهور ساختند در طهران در هشتم

ماه ربیع اول سنه ۱۴۳۲ هجری مطابق

با چهارم فوریه ۱۹۱۴ مسنه در دو نسخه

نوشته شده

رئیس - در این ماده ایرادی هست

(گفتہ شد خیر)

رئیس - پس مذاکره در کلیات

است . کسی اجازه نخواسته است (اطهاری

نشد) مخالفی نیست

(ماده واحده بیشنهادی دولت قرائت

می شود و بعد ای می گیریم . بضمون

ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی

بدولت اجازه میدهد عهد نامه حکمیت

منعقده بین دولت علیه و دولت جمهوری

اندازونی مورخه هشتم ربیع الاول ۱۴۳۲

را که مشتمل بر چهارماده و منضم باین لایحه

است مبادله نماید

رئیس - آقایانی که ماده واحده

بیشنهادی دولت را تصویب می کنند قیام

فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

(تصویب شد)

آقای آقا سید محمد تدین از آقای

وزیر عدلیه سوالی دارند

باشد بعقیده بنده این معنای حکمیت نیست و همچنین از دلائلی که برای حکمیت معین شده از قبیل مطابقه و تضمن والزام هیج کدام از این دلالات در این عهدنامه نیست

که ما باینوسطه اطلاق حکمیت به آن

بکنیم فرضًا امروزدو نفرمتداعین آمدند

و بعد از یک خسارات و زحمات زیادی در

موضوع یک مدها بهی تعیین حکم نمودند

البته باید حکم هر چه گفت طرفین ملزم .

با چهاری آن باشد والا معنای حکمیت در

عالی این نیست که چیزی را که بنده ملزم

نبودم امروزهم بعد از حکمیت ملزم باجرای

آن نباشم و این مسئله در آنها یاکزه مهات

زیادی برای دولت ایران تولید خواهد

کرد و چند روز دیگر باستی مخارج آنرا

تصویب نمود بعلاوه گذشته از تمام اینها

دولت انازوونی و دولت ایران هر دو در

جامعه بین الملل و جامعه صلح لاهه شرکت

و حضور دارند و بنده تصویری کنم : این

حال از یک معاهده خصوصی بی نیاز باشیم

این است خلاصه مطالعه بفرمانید

عرض کردم دیگر بسته بنظریات آقایان

محترم است

معاون وزارت امور خارجه -

بنده ابتدا باید هر ضم کنم که این

ترتیب حکمیت بترتیبی که در ماده سه ذکر شده معمول تمام دنیا است و ترتیبی نیست

کافی فقط مورد دولت ایران و امریکا معمول

باشد دولت امریکا با سایر دولت هم عهد -

نامه حکمیت منعقد نموده و تمام آنها در

همین زمینه است و اینکه می فرمائید این

ماده تولید یک الزام قطعی برای طرفین

نمی کند صحیح است و بنده هم تصدیق

می کنم این را همین اندازه از الزام هم که

در این عهدنامه هست خودش یک وقوفیتی

است که در آنیه از خیلی اختلافات جلوگیری

می نماید این را همین که بین طرفین اختلافی

تولید شد هردو بتراصی یکدیگر امر را

بکمیسیون ارجاع نموده و کمیسیون را

حاکم قضیه فرامی دهد و ممکن است در

غالب موافق رأی کمیسیون قابل قبول

طرفین واقع شود و از بروز اختلافات کلی

جلوگیری نماید و اینکه می فرمائید با

وجود مجمع اتفاق ممل محتاج باین معاهده

نیستم باید دانست که این معاهده وقتی

منعقد شد و بتصویب سنای امریکا رسید که

جامعه بین الملل وجود نداشت اما اینکه

فرمودید این معاهده مختاری برای دولت

ایران تهیه می کند اولاً مدت آن بیش

از بین سال نیست و تمام مدت مخارج ندارد

این کمیسیون فقط وقتی خرج ییدا خواهد

کرد که یات اختلافاتی حاصل شود و این

ثانیاً امیدوارم همانطور که در گذشته مابین

ایران و امریکا اختلافی نبوده در آینده هم

اختلافی تولید نخواهد شد

هم هر دولتی مختار است هر کاری می خواهد بکند و بعقیده بنده این جمله اخیر زائد است و اگر برداشته نشود بکلی این معامله از از این افتاد

رئیس - آقای ازرا متن کر می شود

که اگر اعترافی داشتند می باستی در شور

کرده باشد

آقای سید یعقوب - بنده سوالی

دارم .

رئیس - بفرمانید

آقای سید یعقوب - می خواستم از

آقای مخبر - اعتراف آقای آقا

کمیسیونی را که بین دولت ایران و انازوونی

معین می شود چطور می شود کمیسیون

بین المللی گفت کمیسیون بین المللی کمیسیون

است که تمام ممل معین گشته در اینجا

که فیروز دو دولت کسی دیگر مدعیت

ندارد .

همخبر - این اعتراض آقای آقا

سید یعقوب از نقطه نظر ترجمه شاید وارد

باشد ولی اگر درست مطالعه بفرمانید

این اشکال می شود زیرا وقتی کمیسیون

دولت ایران و امریکا تشکیل شود کمیسیون

بین الملل نیز می تواند مبادرآ اقدام نماید

و در این صورت باید بدولتین اطلاع داده

و معاهده آنها را در این تحقیقات درخواست

کشند راپورت کمیسیون بین الملل در ظرف

یکسال پس از تاریخی که کمیسیون شروع

تحقیقات خود را اعلام نموده است باید

تهدیه و تدارک شود مکرر اینکه طرفین

متعاہدین معظم بالاتفاق مدت هزبور را

توسعه دهند راپورت هزبوره از آن باید به ریک

از دولتین تقدیم کردیم و نسخه سوم را

خود کمیسیون برای دفتر خویش حفظ

خواهد نمود طرفین متuaهدین بخوبیشن

حق می دهند که پس از تقدیم راپورت

کمیسیون در مسئله مختلف فیها هر یک موقوف

نظریات شخصی خود رفتار نمایند

رئیس - آقای حاج شیخ هر قصی

(اجازه)

ح

عملی و من میگفتم اگر علم شاگردان مدرسه سیاسی هم مطابق نظامنامه عدلیه باشد تازه عمل ندارند بنابراین وقتی بنده متوجه تفسیر ماده ۱۴۷ میشوم فقط از نقطه نظر این است که اخلاقاً و روحانیاً با آقای تدین موافق میباشم زیرا در این مملکتی که اساساً تخصصات کم است و مدرسه کم است و تحصیل کنندگان نیز کم هستند باید دیلمه هارا تشویق نمود ولی این در صورتی است که مجلس شورای ملی ماده ۱۴۷ را تفسیر کنند و بگویید این ماده شامل شاگردان مدرسه حقوق و مدرسه سیاسی هردو هست آنوقت بنده هم فیز از اجرای امر مجلس هیچ وظیفه دیگری نخواهم داشت و برای بنده هیچ فرق نمی‌کند ولی مدامی که این تفسیر نشده اگر بنده موافق اجتهاد شخمن خودم تفسیر کنم خلاف قانون رفتار کرده‌ام و مسلم است غیر از اجرای این ماده هر تصمیمی را اتخاذ کنم برخلاف فایده سیاسی را امتحان کنند پس نتیجه زحمت کشیدن و درس خواندن برای چیزی در اینجا لازم است هرچند کنم مدرسه سیاسی تأسیس شده است برای اینکه مصلحین آنجا دیلمات شوند و برای کار و استعدادم در وزارت خارجه تهیه شده و به من ملاحظه است که این بحال فارغ التحصیل های مدرسه سیاسی منشی و پس‌فنی و کارکار و سفری کمیر وزیر مختار و بالاخره وزیر امور خارجه ندارد که ما بگوییم ذخیر بسا بگذاریم وزارت خانه های دیگری هم در این مملکت است و تمام آنها را بانهای انتخاب و احترامی نمایند و با آنها کار خواهند داد مگر کار مملکت منحصر است با استخدام وزارت عدلیه مگر وزارت خانه دیگری در این مملکت نیست که بگوییم اگر آنها در عدلیه کاری رجوع نشود بیکار خواهند ماند و اینکه در ضمن فرمایش خودهان تنقید از مدرسه حقوق فرمودند بنده اول کسی هستم که طرفدار عقبه ایشان هستم و باید ایرادی هم که بنده دارم همین است که این مدرسه ناقص است و هلومی هم که در آنجا تدریس میشود بزبان فیرقاری است باین جهت بنده خودم حکم کردم ازاول یعنی که دوره تحصیلی شروع میشود باید تدریس تمام علم بزبان فارسی باشد که اشخاصی هم که فرانسه نمیدانند بتوانند از مدرسه حقوق استفاده کنند و اینکه فرمودند مدرسه حقوق و سیاسی یکی بشود عقبه بنده هم این است که بودجه این

شب جزو مدرسه سیاسی شده و مدرسه سیاسی یک مدرسه عالی حقوقی بشود آقای وزیر عدلیه در ضمن بیانات شان فرمودند که دسته بنده میگفتند؟ شب نامه پر از می‌کنند برای اینکه ابدآ سوء ظن و سوء تفاهمی حاصل نشود هرچند میگنند بنده در تمام عمر بدسته بنده وغیره معتقد نبوده ام تا اینکه حالا مستمسک بشب نامه نویسی و یا دسته بنده شوم؟

وزیر عدلیه — کسی بشما چیزی نکفت

قدیم — بلکه بنده فقط از نقطه نظر حق شناسی و اینکه حق یکمده اشخاص تحصیل کرده (که دیلم رسمی دولتی گرفته اند و دیلم آنها مرض با مقاعد دولت است تصدیق می‌کنند) که صاحب این دیلم یک دوره فقه کامل خوانده است در صورتی که نظامنامه امتحان عدلیه بر توکل مسائل قائل شده است) تضییع نشود این عرايس را کردم و بنده فقط مقصود نجس و راه حل این قضیه بود و قبل از در این باب باجهانب عالی مذاکره نمودم و هیچ قصد ایجاد شده است که حقوق یک عدد تحصیل کرده از بین نزود.

وزیر عدلیه — آقای تدین مطلب را قدری مخلوط نمودند در صورتیکه قابل تفکیک است

اولاً ایشان فرمودند که من داخل در شب نامه نویسی و دسته بنده وغیره نبوده‌ام و یا اینکه بنده عنوان کردم که سؤال ایشان داخل در پرده بوده خیر بنده آقای تدین را که رفیق چندین ساله خودم است خوب می‌شناسم ولی درین حال عرض می‌کنم که ایشان اهل این شهر هستند و از دسته بندهایی که در این شهر برای امتحان می‌hood مسبوق هستند پس هرایض بنده مربوط بجهانسعالی نیست واما راجع به سؤال البته سؤال بقدرتی واضح و مبرهن بود که ابداً محتاج به تکرار نیست بنده خودم یکی از مسائلی را که همچده ندارم استنثار حقایق است ولی چون سؤالی که در مجلس میشود اگر جواب گفته نشود در خارج میگویند سؤالی هدوجواب داده نشد لذا بنده خواستم به تمام دقایق جواب گفته باشم اما در اصل مطلب اگر بنده می‌خواستم خیلی خشکی وجودت کنم و نهی خواستم حاضر شوم که حتی الامكان در حدودیکه قانون اجازه میدهد حقوق اشخاص تحصیل کرده یامال نشود همین فقره هجدهم بن حق میدهد که عرض کنم شاگردان مدرسه سیاسی ولو اینکه تحصیلات شان مطابق تحصیلات شاگردان مدرسه حقوق باشد باید امتحان بدهند برای اینکه در نظامنامه امتحان می‌نویسد امتحان علمی و

عدلیه هم امتحان بدهند ولی البته باره شرایط دیگری هست که باید دارا باشند بنده بع وقت نمی‌گویم در صورتیکه قانون سن را افلا بیست و پنجم سال قرارداده فارغ التحصیل مدرسه سیاسی یامدرسه حقوق را که بایزده سال داشته باشد قاضی نمایند نقطه نظر بنده فقط تحصیلات علمی است بنده هرچند می‌کنم چون مدرسه سیاسی مدرسه علمی است و مطابق اطلاعاتی که بنده دارم و می‌توانم تمام مواد تحصیله آنجا را از سال اول الی سال پنجم بعرض آقایان بررسانم خیلی بیش از آنچه در نظامنامه امتحان عدلیه مندرج است تحصیل نموده اند اگر آنها هم باید امتحان بدهند بنده مختلف ذیرا ممکن است انسان در تاریخی که مشغول تحصیل است امتحان بدهند ولی اگر بعد از مدتی بخواهد خودرا برای یک امتحان طولانی حاضر کنند البته بسوالت نمی‌تواند حاضر شود و افلا ۳ ماه وقت لازم دارد تام طالعه و مراجعت نموده و تمام موادر را حاضر کند بعلاوه وقتی این اصل را قائل شدیم پس نتیجه تحصیلات چندین ساله و نتیجه امتحان واخذ دیلم رسمی چیز و قدرتی یکنفر امتحان میدهد و دیلم میگیرد دیلم او مدرک صحت تحصیلات او سه و می‌تواند در هر چانی که شرایط استخدامی مطابقه با مواد دیلم او بنماید بدون امتحان وارد شود و اما این که فرمودید در قانون قید شده است و شاگردان مدرسه حقوق مستثنی هستند) باید دانست که ما مدرسه حقوق داریم یا خبر این کلاس شنی که یک ساعت بفروب شروع و دو ساعت از شب گذشته ختم می‌شود مدرسه حقوق نیست و شاگردانی که از آنجا فارغ التحصیل می‌شوند ابداع تحصیلات شان مطابق مقصود قانون گذاری نیست بنده در چندی قبل هم عرض کردم و امروز دو باوه تکراری کنم که اگر بنا باشد شاگرد مدرسه حقوق از امتحان عدلیه مستثنی باشد این مدرسه حالیه آن مدرسه حقوق نیست مدرسه باید از صیغه تاریخی این روز بود که بنده عرض کردم این قانون موقتی است و نمی‌شود فعلاً داخل در تفسیر آن شد یک قسمت از فرمایشات آقای وزیر عدلیه این بود که من گفت ام چون مدرسه سیاسی یک مدرسه دولتی است

خانه‌ها علی السواء وارد شوند بنده این عرض را تکریم بنده گفتم مدرسه سیاسی یک مدرسه دولتی رسمی است و تحقیقاتی که در آنجا می‌شود مطابق مواد نظامنامه امتحان وزارت عدلیه و مواد تحصیله مدرسه حقوق است بنابراین بعد از آنکه مصلحین آن راهنم صدری بقضات وارد می‌آورد با بودجه مدرسه سیاسی یکی شده و این کلاس که فقره هجدهم تفسیر نشده است بنده متأسفانه مجبور خواهم بود مطابق اعلانات قبل خود دو اصل مراعات نمایم اصل اول دادن امتحان است و بنابراین تمام مستخدمین عدلیه باید امتحان بدهند وهر کس از دادن امتحان استنکاف ورزد هفو و عدلیه نخواهد بود باین جهت سپرده‌ام صورت اشخاصی را که تا اول حوت آخرین مدتی بود که اعضاء عدلیه باید تقاضا نامه امتحان خود را تقدیم کند هر کس تقاضا نامه نداده باشد صورتش را بیاورند تا تمام آنها مفصل شوند اصل دوم اینست که عادم که فقره هجدهم از ماده ۱۴۷ تفسیر نشود غیراز فارغ التحصیلیه ای مدرسه حقوق هبکس از دادن امتحان معاف نخواهد بود مگر اینکه مجلس شورای ایلی ماده ۱۴۷ را تفسیر نموده و بگویید اشخاص دیگری هم معاف هستند رئیس — آقای تدین (اجازه)

قدیم — اولاً آقای وزیر عدلیه اظهار نمودند که در مجلس سوالات و رفعت یک پرده ها و مقاصد مخصوصی میشود وزیر عدلیه — من چنین چیزی نکفتم قدیم — تقریباً باین مضمون فرمودید باید هرچند کنم که بنده ابدآ از این سوال مقصود و منظوری نداشتیم حالاً باید یکی یکی جمله‌های را که فرمودید جواب عرض کنم : بنده تشخیص بین ظاهر قانون و روح قانون و لزوم اجراء ظاهر قانون را بخوبی میدهم ولی اینکه فرمودید تفسیر قانون با خود مجلس است بنده تصدیق می‌کنم ولی آیام ممکن است قانونی را که موقعیت بوده و هنوز بصویب مجلس نرسیده تفسیر نماید ؟ (از طرف بعضی از نمایندگان — خبر)

قدیم — بس از این نقطه نظر چون این قانون موقعی است و مجلس آنرا تصویب نموده نمی‌تواند آن را تفسیر نماید یعنی جهت بود که بنده عرض کردم این قانون موقتی است و نمی‌شود فعلاً داخل در تفسیر آن شد یک قسمت از فرمایشات آقای وزیر عدلیه این بود که من گفت ام چون مدرسه سیاسی یک مدرسه دولتی است

خانه‌ها علی السواء وارد شوند بنده این عرض را تکریم بنده گفتم مدرسه سیاسی یک مدرسه دولتی رسمی است و تحقیقاتی که در آنجا می‌شود مطابق مواد نظامنامه امتحان وزارت عدلیه و مواد تحصیله مدرسه حقوق است بنابراین بعد از آنکه مصلحین آن راهنم صدری بقضات وارد می‌آورد با بودجه مدرسه سیاسی یکی شده و این کلاس

مطلوب بدون نام و تعمق و ملاحظه تمام خصوصیات مملکتی و اخلاق مملکتی امشب رای بدهیم باید در جزو دستور گذاشته شود که با یک انکار عمیق تری و مشاوره با یک اشخاص بصیرتری اطراف و جواب را ملاحظه کنیم و داخل این مطلب بشویم تمام مملکت همین ماه نویسیم که این جا نشسته ایم قوه قضائیه بخواهیم تعیین کنیم بنده نی خواستم هر ض کنم این مدرسه حقوقی که می گویند مدرسه حقوق است غلط است برو گرام مدرسه حقوق هنوز نوشته شده است و این اشخاص راهم که آقای وزیر اعلان کرده اند پس از شش ماه بدون امتحان باید قضایت بگذند همه چیزی را و کمیسیون تصویب نکرده در مدرسه حقوق باید حقوق اسلامی تدریس شود : تصدیق می کنم حقوق اروپائی هارا ماراهم باید تحصیل کنند برای اینکه اطلاع به موضوعات و اساس عالم بیندا کنند ولی اصل تحصیلات شان باید موافق شرع باشد وانکه مدرسه حقوقی که معرفی می کنند در آنجاچه تحصیل می شود یک بادون فر معلم فرانسوی در آن مدرسه هستند و چند نفری هم شباها آنجا می روند تحصیل می کنند آن وقت این اشخاص چه طور می نوانند فاضی بشوندو حفظ حقوق مردم را بگذند در صورتی که نیدانند چه طور رای بدهند و اساس رأی خود را بر روی چه بگذارند مردم فرانسه حقوق اروپائی نمی دانند حقوقی کدر این مملکت معمول است و از سابق هم معمول بوده و مسئله ورساله هادر آن باب نوشته شده می خواهند بنده که یکنفر و کیل هستم و سه دوره و کالت حکرده ام و دوازده سال هم در عذر این باید و ده نمی دانم در این مدرسه کادونفر فرانسوی هستند و هبها چند نفری در آنجا یکی دو ساعت می روند چه می خوانند بعینده بنده باید علمی که در آنجا تدریس می شود بزبان فارسی باشد و اهمیت مخصوص هم به وقفه بدهند که اساس قضایت از روی قانون اسلام باشد اینکه بیانیم بیک نشست و برخواست یک رأی بدهیم و بعد برویم درخانه خود بنشیم.

رؤیس — چنانچه بنا بود راجح بدستور حرف بزید از هم آقای نصرت الدوله زدید فیض دستور آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله — بلی بنده بخواهیم در این موضوع از آقای وزیر عذر ایشان یک تمدید مدتی بدهند اما فقط برای شاگردان مدرسه سیاسی بلکه برای کلیه اعضاء عذر که بر طبق قانون

بداریم و البته چه کاری مقدم تر از این خواهد بود و اگر ما این کار را بجلسه بعد بگذاریم از فردا این اشخاص منفصل خواهد شد.

پس از همه آقایان استدعا میکنیم با بنده موافقت بفرمایند و این تفسیر را امشب تمام بگذند که یک عدد اشخاص تحصیل کرده که تحصیلات همان هم موافق مدرسه حقوق است و یکدورة فقه هم دیده اند و دیلمه هستند فردا از کارخو و منفصل شوند وزیر عذر لیه بنده از نقطه نظر پایمال نشن حقوق سبزه نفر که سهل است یک نفرهم که باشد نسبت بهم خود حاضر تا صبح هم در این باب مذاکره شود ولی در همانحال هم پرسیدیم چه صورتی دارد و کلیه کسانی که تقاضا نامه امتحان نداده اند آیا منفصل خواهند بود یا خیر؟ جواباً هر ض میکنیم به منفصل خواهند بود حالا اگر مجلس شورای ملی تفسیر کرد علاوه بر تفسیری هم که میگذد مخصوصاً قید کرده که این تفسیر شامل ما قبل هم هست آنوقت اشخاصی که باین هلت خارج شده اند بر خواهد گشت.

چون همیشه قانون شامل مابعد خواهد شد و باید بالاختصاص این قید بشود که شامل ماقبل هم بشود.

بنابراین بر این بر این برای بنده هیچ اهمیتی ندارد و حاضر هستم در مطالبی که راجح بینده مطرح میشود مشارکت حکم تام مطلب روش شود بنده فقط و فقط میخواهم یک مشارکت کنم و موافقم که امشب یا فردا و هر چه زودتر این مسئله حل شود تاکلیف من هم معلوم شود.

رؤیس — باید وای گرفت حاج شیخ اسدالله — بنده توضیح دارم رؤیس — راجح بدستور است؟

حاج شیخ اسدالله — بلی

رؤیس — بفرمایند.

حاج شیخ اسدالله — اینکه حضرت والا فرمدند برای حفظ حیثیت هفت نفر یا ده نفر یا صد نفر از شاگردان دیلمه های سیاسی باید همین امشب مذاکره شود و تکلیف آنها معن شود که باید امتحان بدهند یا به عمل قضایت خود باقی بمانند بنده مطلب را تصدیق میکنیم البته باید حفظ حیثیت آنها را کرد و آنها را معترم شوند اما مقام قضایت است باید حفظ حیات مملکت و عالم دیانت را کرد امشب ما یک نشستن و برخاستن نمی توانیم کور کورا؛ یک رائی بدهیم که امر قضایت دروست چه اشخاص باشد بنده که تصدیق میکنیم اشخاصی که تحصیل کرده اند و از مدرسه سیاسی دیلم گرفته اند خوب بیفهمند ولی امشب شما بخواهید برای ادوار یک مملکتی فاضی معین کنید و رأی بدهید که کی فاضی باشد و من نسبت بسیم خودم عقیده ندارم که در اطراف این

و قیض — بفرمایند
رؤیس — بیشنهادی شده است
نصرت الدوله — مقضود از این

که بیشنهاد کردم این مسئله از طرز سوال خارج و جزء دستور بشود این است که می بینیم آقای وزیر عذر لیه هیچ فقط نظر خاصی در این امر ندارد و فقط نقطه نظر ایشان تعییب قانون است و همه ماهم مکلفیم این نظریه را تأیید کنیم منتهی اگر در خود آن ماده قانون یک نظریانی بیدا کنیم که محتاج به تفسیر باشد منوط بما کرایات مبسوط تر است تا یعنیکه یک راه حلی بمنظار آقایان بر سر چنانچه خود بنده اقرار می کنم و ابدأ از اقرار خود خجالت ندارم که بنده معتقد بودم دیلمه های مدرسه سیاسی رادر عذر لیه بدون امتحان داخل کنم و شاید بنده هم نظری داشته باشم که با نقطه نظر آقای وزیر عذر لیه و آقای تدبین و سایر رفقا و فق کنند بنابراین خوب است آقای وزیر عذر لیه هم موافقت بگذند و این استدعا بنده پذیرفته شود که این مسئله داخل در دستور بشود تا مذا کرات زیادتری در این موضوع شده در ضمن هم شاید راجح بقسمتی دیگری که این ماده شامل است مذاکره شود تا برای این ماده شاید راجح بقسمتی دیگری که این ماده شامل است مذاکره شود تا برای وزیر عذر لیه هم مطلب روشن تر شود

وزیر عذر لیه — برای بنده فرقی

نمی کنم و حاضر هستم در مطالبی که راجح بینده مطرح میشود مشارکت حکم تام مطلب روش شود بنده فقط و فقط میخواهم یک تکیه گاهی داشته باشم و آن تکیه گاه بنده قانون است حالا هر طور مجلس تفسیر کند برای بنده فرقی نمیگذند اگر امروز مجلس رأی بدهد که اصلاً این امتحان لغو است بنده فوراً اطاعت می کنم

رؤیس — آقای سلیمان میدزا (اجازه)

سلیمان هیرزا — چون فعلاً موقع مذا کرات مفصل در این مسئله نیست بنده همین قدر میخواهم بینیم در صورتیکه این مطلب بجهله آنیه بماند در مدت این فاصله از طرف آقای وزیر عذر لیه که حق هم دارند و یا بابت باعلانات خود هستند آیا این سیزده نفر دیلمه بدبخت مدرسه سیاسی که سه چهار سال است در عذر اه هستند از فردا منفصل خواهند بود؟

اگر اینطور خواهد بود بنده هر ض میکنم برای حفظ حقوق اشخاصی که زحمت کشیده و تحصیل کرده اند و عمر خود را در راه معارف صرف کرده اند در صورتی که همه امیدواری آنیه ما با اشخاص تحصیل بنده که تصدیق میکنیم اشخاصی که تحصیل کرده است.

بهتر این است همه آقایان با من موافقت کنند که همین امشب این مسئله حل شود و ما یک دو ساعت دیگر هم وقتیان را برای یک امر معارفی و احترام سیزده نفر با پیشتر شاگردان فارغ التحصیل مصروف باشند

دو مدرسه را باید یکی کرد و دولتشم این نظر را دارد که باید یک مدرسه متوسطه مشترکی تأسیس گردد که دارای دو شعبه باشد یک شعبه سیاسی برای سیاست خارجی و یک شعبه حقوقی برای عذر لیه نه این باید جزو این بس تمام اینها را مامتنع و ممنوع و خیال داریم تمام اصلاحاتی را که حضرت مستطاب عالی بطور ناقص اهاره فرمودیم بطور کامل انجام دهیم ولی با وجود این نقص که مدرسه حقوق دارد چون هیئت فارغ التحصیل های مدرسه حقوق را استثناء کرده است باید همانطور رفتار شود ولی در عمل یکنفر هم استثناء نمی شود بجهت اینکه ناامروزه نمی شود مدرسه حقوق پیکنفر فارغ التحصیل نداریم پس این استثناء هم شامل یکنفر هم نمی شود که حقوق عده دیگر زیر با رفت باشد واشکالی که راجح به تفسیر قوانین نمودند بنده در این قسمت بواسطه شغلی که دارم مجبور هر ض کنم در حرجی که فرمودند بنده موافق نیستم چون قانونی که از کمیسیون مجلس گذشتند تغییر آنرا هم مجلس باشد بگذند ذیر افانون مراحلی دارد یکی مرحله قانون سازی یکی قانونی شدن آن و بر حسب سوابقی که در مجلس مختلف انتخاذ شده مجلس حق دارد حق قانون سازی خود را به کمیسیون بدهد.

(بعض گفتند — نمیتواند)

وزیر عذر لیه — قاطع مسئله نه حقده شما است نه عقیده من بلکه اکثریت مجلس دوم و سوم و چهارم قاطع است که این اصل را انتخاذ کرده و چون مجلس این کار را به کمیسیون مراجعه کرده پس به مجرد اینکه قانون از کمیسیون نمذهن قانون میشود از طرف دیگر اصل دیگری که در نزد مسلم است این است که تفسیر کلبه قوانین با مطلع شورای ملی است کاری باید مطلب نداریم که از کمیسیون گذشته باشد یا از خود مجلس در هر صورت مطلب بجهله آنیه بماند در مدت این فاصله از طرف آقای وزیر عذر لیه که حق هم دارند و یا بابت باعلانات خود هستند آیا این سیزده نفر دیلمه بدبخت مدرسه سیاسی که سه چهار سال است در عذر اه هستند از فردا منفصل خواهند بود؟

مادر ۴۷۱ تشكیلات عذر لیه را تفسیر کنند تا بندۀ فوراً اطاعت کنم و تا وقتی که تفسیر نشده باشد بنده راهی ندارم و هر کاری بکننم برخلاف قانون کرده ام **نصرت الدوله** — بنده بیشنهاد کرده ام که این موضوع جزو دستور جلسه آن به بشود (مخالفی نیست) **نصرت الدوله** — اجازه بفرمایند تو پیشنهاد عذر کنم

نامه بدهند.
رئیس — دلایلی می‌گیریم به جلسه فردا آقایانیکه جلسه‌فردار تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. آقای حاج میرزا عبدالوهاب راجع به آقای تدبیح چیزی فرمودند که ایشان مجبور بتوصیح هستند.

قدیمی — بنده تصویرمی‌کنم چون آقا درست بعرايض بنده توجه نفرمودند این بود که برای ایشان عوض سومه‌تفاهم تسامع حاصل شده بنده عرض کردم چون این قانون وقتی است و مجلس آنرا تصویب نکرده است با این جهت تفسیرهای نیازمند بکنند زیرا قانونی را که مجلس مستقیماً به اورآی نداده و جزو قوانین عادی نشده است و باصل آن رأی نداده در فرع آن نیزتواند داخل بشود بنده عرض نکردم که آنها را مجلس تصویب کرده؛ دیگر این عرض کرده‌ام شاگردان مدرسه سیاسی یک دوره‌فقه کامل میدانند بنده هم یک مدتی در مدرسه بودم و فرش مدرسه را که نیازمند بکنند دانستم یک دوره فقه کامل مدت‌ها وقت لازم دارد بنده فقه کامل عرض نکردم گفتم یک دوره فقه ویده‌اند ثالثاً فرمودند امتحان علمی یک مرتبه کافی نیست و یک مثل هم به کمالی زدن البته تصدیق می‌فرمایند که مطابق اصطلاحات علمی مقصود ملکه است و ملکه هیارت از استحضار قوه است که هر وقت مراجعته به آن مطلب بکند بتوانند آن مطلب را استنباط کند پس بنابراین کسی که دارای این قوه باشد یک مرتبه امتحان بدهد کافی است و بعد هم اگر عمل نکرد ممکن است آن قوه کمی سست و ضعیف بشود و بد از مراجعته البته ملتفت خواهد شد بعلاوه این اشخاص امتحان داده و مدتی هم هست در عدلیه هستند.

رئیس — جلسه فردا دو ساعت قبل از غروب دستور هم اولین موضوع شاگردان مدرسه سیاسی و ثالثاً انتخاب یعنی نفر برای کمیسیون عدلیه خواهد بود.

وزیر عدلیه — گمان می‌کنم بنده بد فهمیدم موضوع اصلاً دیپلم شاگردان مدرسه سیاسی نیست موضوع تفسیر فقره چهارم از ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات عدلیه است.

رئیس — دستور جلسه‌فردا تفسیر فقره چهارم از ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات عدلیه است.

مجلس ۲ ساعت از شب کنخته ختم شد
میکنند. مؤمن‌الملک

وزیر عدلیه — آیا ممکن است بنده استدعا کنم فردا جلسه فوق العاده تشکیل بشود که تصمیمی در این باب گرفته شود.

رئیس — آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا — بنده کاملاً بیشنوهاد آقای وزیر عدلیه را تصدیق می‌کنم که برای حفظ حقوق این فارغ التحصیل‌ها فردا جلسه بشود و یک دو ساعت وقت مانرا صرف کنم و تکلیف آنها را معلوم کنم و فرمایشاتی که آقای آفاسید یعقوب و حاج شیخ‌الله و حاج میرزا عبدالوهاب و سایر آقایان فرمودند جوابش را بعد عرض خواهم کرد.

رئیس — مجلس موافق است که فردا جلسه بشود (جمعی گفتند بلی)

رئیس — آقای آشتیانی راجع بجلسه فردا است

آقا میرزا هاشم — بله

رئیس — بفرمایند آقا میرزا هاشم — بنده می‌خواهم عرض کنم اینکه آقای وزیر عدلیه و شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند فردا شاگردان مدرسه سیاسی بیرون می‌روند تصویرمی‌کنم غیر از این باشد برای اینکه ایشان اعلان کردند که هر کس می‌خواهد امتحان بدهد باید باید و تقاضا نامه بدهد دیگر تعیین نکرده‌اند حالاً که تقاضانامه دادجه وقت مجلس امتحان تشکیل می‌شود هنوز که مجلس امتحان را تشکیل نداده‌اید که اعضاء بیانند امتحان بدهند در این صورت چه شاگردان مدرسه وجه سایرین غلاً از عدلیه خارج نمی‌شوند و ماده نداریم در اینکه فردا مجلس را تشکیل بدهیم وقت باقی است که این مطلب را حل کنیم.

وزیر عدلیه — بانهایت درجه تأسف

بنده این نظریه آقای آشتیانی را ندارم برای اینکه شرط عضویت عدلیه اول دادن امتحان است و او این قدمش حاضر شدن برای امتحان یعنی اشخاص که استخدام عدلیه را می‌خواهند باید تقاضانامه بدهند و مواد امتحان را هم بنده اول تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهم کرد بعد که مجلس مواد آنرا تصویب کرد امتحان شروع خواهد شد والبته هر کس در آن مدتی که من معین کردم امتحان تقاضا نامه‌نداشت در حکم این است که نمی‌خواهد امتحان بدهد و اگر می‌خواستند امتحان بدهند باید قبل از این داده باشند.

آقای میرزا هاشم آشتیانی —

میکنند. مجلس است فردا همان سیزده نفر تقاضا

داخل اصل مطلب به قوم و مثل سایر آفایان خارج از موضوع حرف بزنم و جواب فرمایشات آقای حاج شیخ‌الله و آقای حاج میرزا عبدالوهاب را عرض کنم طلب ایشان باشد انشاع الله بعد عرض خواهم کرد اما همین قدر عرض می‌کنم با نظرداشتن با ممتازات فضلى بنده حاضر نمی‌شوم که برویم خانه ایمان بنشینیم در صورتی که وزیر عدلیه‌هم نمی‌خواهد حکم خودش را نقض کند می‌گوید حکمی است داده ام باید اجرا شود و حق هم دارد و حقوق سیزده نفر یا بیست نفر یا یک نفر شاگردان فارغ التحصیل یا یمالي شوده‌م در موقع صحبت می‌گفند با فلاں کس در موضوع معارف موافقیم اگر موافق بسم الله این اولش یائید و امشب دو ساعت وقت خود را صرف کنیم که فردا شاگردان فارغ التحصیل از عدلیه خارج نشوند و تکلیف‌شان معین شود و گمان می‌کنم مذاکره در این مسئله که مدرسه سیاسی هم جزو این ماده هست یا نیست چندان اشکالی نداشته باشد.

رئیس — آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

رئیس — آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب — بنده با این قانون از تصویب مجلس گذشت بنده مخالفم و عرض می‌کنم کمیسیون وغیره وقتی رأیش و سمت دارد که مجلس شورای اسلامی باید واژ مجلس بگذرد والارأی گرفتن رسالت ندارد مطلب دیگر اینکه فرمودند دیبلمه‌های مدرسه سیاسی یک دوره کامل فقه را امتحان کنند بنده کمان نمی‌کنم یک دوره کامل فقه باید آن‌خونده‌فه خواهد شاگرد مدرسه سیاسی بتواند در مدت ۶ سال از عهده برآید و نیز فرمودند یک امتحان کافی است بعییده‌بنده این هم کافی نیست زیرا ممکن است من یک امتحان کمالی داده و بعد فراموش کرده باشم آنوقت نمی‌شود چشم مردم را بدست من بدهند که هر کاری می‌خواهم بکنم خوب نیست یک مملکتی را عرض و ناموسش را بدست این نوع اشخاص دارد و شرحی را هم که آقای وزیر عدلیه تمام آخونده‌ای این می‌شود این شهر هم اشکال می‌گذند و اینکه حضر تعالی می‌فرمایند اشکال تراشی خواهد شد و بکلی وزیر عدلیه کسل و ملول می‌شود و از بین می‌روند پس خوبست شاهزاده هم همراهی این رعایت نظامات را خواهد فرمود آقای حائری زاده این را در اصل مطلب وارد شد.

رئیس — رأی می‌گیریم که این مسئله جزو دستور امشب بشود یا آقایان که تصویب می‌گفند جزو دستور امشب بشود

قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس — تصویب نشد

باید امتحان بدهند آنوقت مامی توابیم از روی دقت و مطالعه این مطالب را مذاکره کنیم و رأی بدهیم و اگر ایشان نخواستند تقاضای بنده را قبول بگفتند (اگر چه امیدوارم انشاع الله قبول بفرمایند) بنده آنوقت موافقم که همین امشب مطرح شود و این را هم عرض می‌کنم نظریاتی که بنده‌دارم ممکن است شامل غیر از مدرسه سیاسی هم می‌شود.

وزیر عدلیه — در این قسمت اخیر فرمایش شاهزاده نصرت‌الدوله که ممکن است معاقبت شامل سایرین هم بشود برای بنده فرقی نمی‌کند اما در قسمت تمدیدهای مت‌آنفانه با حضور والا موافق ندارم زیرا برای نوشتمن یک ورقه کاغذ که من امضا کنند هستم حاضر موقع امتحان که معین شد بهم نمی‌توانم برای این غفلت مجددآ یک مدتی معین بگنم زیرا اگر این‌طور باشد بنده دیگر در این وزارت تغایر نخواهم ماند.

رئیس — آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب — چون

آقای تدبیح در ضمن بیانات خودشان فرمودند این قانون از تصویب مجلس گذشت بنده مخالفم و عرض می‌کنم کمیسیون وغیره وقتی رأیش و سمت دارد که مجلس شورای اسلامی باید شاگردان مدرسه سیاسی امتحان ندهند بنده هم عرض می‌کنم تمام آخونده‌ای که در عدلیه هستند باید امتحان بدهند چراً برای اینکه آن‌خونده‌فه خواهد اصول خوانده‌اند آنوقت آن‌ها خارج شوند و یک‌عدد دیگر داخل شوند این است که بنده هر قسم می‌کنم لازمه این بیشنوهاد شاهزاده سلیمان میرزا و نصرت‌الدوله این می‌شود که این ماده اصلاح‌آجرا نشود پس چه طوری ما می‌توانیم یک رأی بدهیم که یک ماده که مدت‌ها در مملکت جاری بوده است و یک وزیر عدلیه جدی بی‌داشده کمی خواهد مطابق قانون رفتار کند و امتحان را در مملکت اجر اکنده‌ای بین برونداده دارد رامشکل می‌گذند فردا می‌بینیم تمام آخونده‌ای این شهر هم اشکال می‌گذند و اینکه حضر تعالی می‌فرمایند اشکال تراشی خواهد شد و بکلی وزیر عدلیه کسل و ملول می‌شود و از بین می‌روند پس خوبست شاهزاده هم همراهی این رعایت نظامات را خواهد فرمود آقای حائری زاده این را در اصل مطلب وارد شد.

رئیس — جزو دستور امشب بشود رأی دارم

رئیس — شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا — بنده نمی‌خواهم

جلسه ۷۱

صورت هشروح مجلس یوم
چهارشنبه سوم حوت ۱۴۰۰
مطابق بیست و چهارم
جمادی المائی سنه ۱۳۴۰

(مجلس یکساعت قبل از غروب در تخت
رباست آفای مؤمن الملک تشکیل گردید)
(صورت مجلس یوم سه شنبه دوم حوت را
آفای تدین قرائت نمودند)

رئيس - آفای شیعه اسلام
(اجازه)

شیخ الاسلام فرماینده اصفهان

شور در تفسیر فقره چهارم از ماده ۱۴۷

قانون تشکیلات عدیله است بعیینه بنده از
سه مسئله باید در این موضوع صحبت شود
چنانچه در جلسه سابق هم در فرمایشات و
اظهارات آفایان اشاراتی به رسه مسئله بود
اولاً باید بدانیم که آیا این ماده ۱۴۷

از این نظام نامه قانونی هست که مجلس

میتواند در تفسیر شور و نماید یا چنین قانونی

نیست ؟ مسئله دوم در تفسیر است مسئله سوم

این است که آیا بر فرض اینکه این ماده ۱۴۷

چنین قانونی باشد که مجلس شورای ملی

بتواند آنرا تفسیر کند و تفسیرهم بکند آیا

بعد از طی این دو مرحله در نتیجه مدارای

یک قضایی از برای عدیله خواهیم شد یا

خیر ، اما مطلب اول که آیا این ماده

قانونی هست که مجلس شورای ملی بتواند

آنرا تفسیر کند یا خیر ، بعیینه بنده این

ماده چنین قانونی نیست نه فقط این ماده

بلکه کلیه مواد ۲۶۶ که نظامنامه

تشکیلات و مواد ۸۱۲ که نظام نامه

معاهدات و مواد ۶۰۰ که قانون جزائی

هم قانونی نیست که قانون شده باشد بواسطه

اینکه اصل ۲۷ مقدم قانون اساسی واصل

۷ قانون اساسی قانون را برای مامرفی

مهکند اصل ۲۷ قوای مملکت بررسه شعبه

تجزیه میشود اول قوه مقننه که مخصوص

است بوضع و تهدیب قوانین و این قوه ناشی

میشود از اهلی حضرت شاهنشاهی و مجلس

شورای ملی و مجلس سنای و هر یک از این سه

منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی

استقرار آن موقوف است بعد مخالفت با

مواذین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح

بعضه همایون لیکن وضع و تصویب قوانین

راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات

مجلس شورای ملی است شرح و تفسیر قوانین

از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است

اصل ۷۴ - مادام که مجلس سنا منعقد

نشده فقط امور بعده تصویب مجلس شورای

ملی بعضه همایون موضع و بموضع اجرا

کهارده خواهد شد

این دو اصل از مقدم قانون اساسی و

از خود قانون اساسی قانون را بما معرفی

میکند که قانون آنچه ای است که در مجلس

شورای ملی تصویب شده باشد و قانون

اساسی را هم البته هم میدانیم که چه چیزی

است که این مجلس صلاحیت تفسیر آن را

ندارد والبته اگر بنا شود در اصول قانون

در انجمن امتحانات علمی و عملی

و هر یکی هم که ترجمه شده و بخارج هم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره چهارم

دقت کردم و پیش هم خوانده بودم فقره که در حقوق و تشکیلات نوشته شود تقریباً همین است و به بوجوچه از ایشان امضای ندیدم مگر هر چه کرده امضای که خدا و پیغمبر کردند اند.

اما مطلب دوم که تفسیر باشد فرع زاید بر اصل مثلی است که در موقع یکی حرف گزافی بزند میگویند فرع زاید بر اصل نمیشود.

آیا فرع بدون اصل هم میشود بعیینه بنده که نمیشود و نشینده ام یا که قانونی که اصلش قانونیت ندارد چطور میشود بمحض شورای ملی باید و تفسیر شود ؟ این کار بعیینه بنده همچوچه صورت قانونی ندارد و فرع بدون اصل است.

اما مطلب سوم که بینیم بر فرض این که این ماده ۱۴۷ قانون باشد و مجلس هم این قانون را تفسیر بکند یا بدون تخصیص چنانکه وزیر عدیله اعلان داده یا با تخصیص بطوریکه شاگردان مدارس و مصلحتی توقع دارند آنوقت بینیم آیا در نتیجه قاضی برای عدیله درست میشود یا خیر ؟ خیر قانون اساسی هم برای از حروفش خون بهای یک عدد از شهدای احرار ایران است قاضی راهنم برای ما معین کرده اصل ۷۱ از مقدم قانون اساسی میگوید دیوان عدالت عظمی و محاکم عدیله مرکزی رسمی تظلمات عمومی هستند.

البته تظلم را باید بدیوان عدیله کرد والا همانطور که آفای مدرس فرمودند صیغ از شش جا احضاریه بجهت معرض میبرند پس تظلم را باید بعدیله رجوع کرد.. (و قضایت در امور شرعیه باعدول مجتهدین جامع الشرایط است) پس اصل ۷۱ از مقدم قانون اساسی قاضی را برای ما معرفی میکند که قاضی باید مجتهد جامع الشرایط باشد همانطور که در قرآن است و خدا و رسول اکرم معین فرموده اند (کفته شد - صحیح است)

حضرت امیر المؤمنین یعنی ازکی از قضای

فرمودند (همه حدیث را نمی خوانم) هذالمجلس الذي جلیت فیه الـدیـنـیـه او وصی نبی فرمودند این مستند که تو بالایش نشسته اند یکی دو نفر است یا پیغمبر یا کسی که از طرف پیغمبر برای این مستند معین شده است و چیزی که بنده یقین دارم این است که این آفایان مصلحتی مدرس حقوق و مدرس سیاسی همچوچه کدام تحقیق این عنوان نیستند و خودشانهم قبول دارند بجهت اینکه مراجعت بشرایع متفق حلی کافی از برای مقام قضایت نیست قضایت شرعی شروط معین دارد و هیچ اشکال و اختلاف و مباحثه هم ندارد کتب فارسی و هر یکی هم که ترجمه شده و بخارج هم

اساسی تغییراتی داده شود باید اجازه از طرف تمام ملت در موقع انتخابات بوکلا داده شده و چنین اجازه هم هنوز به پیچیدگام ازو کلای حاضر داده شده است (بنده که نشیدم داده شده باشد) و از این موادی که بنده خواندم داده شده باشد (رازی) و از این موادی که بنده خواندم داده شده باشد (صیغه) است

و در همین لایحه که از وزارت جلیله عدیله سه مسئله باید در این موضوع صحبت شود چنانچه در جلسه سابق هم در فرمایشات و اظهارات آفایان اشاراتی به رسه مسئله بود اولاً باید بدانیم که آیا این ماده ۱۴۷ از این نظام نامه قانونی هست که مجلس میتواند در تفسیر شور و نماید یا چنین قانونی نیست ؟ مسئله دوم در تفسیر است مسئله سوم این است که آیا بر فرض اینکه این ماده ۱۴۷ چنین قانونی باشد که مجلس شورای ملی موقع اجرای اکاره در عمل و تکمیل نواعی ثانیاً برای تصویب مجلس شورای ملی بینهاد نماید اکراینها قانون باشد دیگر دوباره بیاورند در مجلس و تصویب کنند برای چه ؟

ماده ۱ - بوزیر عدیله اجازه داده می شود که کلیه قوانین را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید بعد از تصویب کمیسیون عدیله مجلس شورای ملی موقع اجرای اکاره در عمل و تکمیل نواعی ثانیاً برای تصویب مجلس شورای ملی بینهاد نماید اکراینها قانون باشد دیگر دوباره بیاورند شدیا و تصویب کنند برای چه ؟

پس قانون نیست و هنوز تصویب نشده است و آنها میرند امتحاناتی بکنند بعد بیاورند در مجلس و تصویب شودتا آنوقت قانون شود.

آنرا تفسیر کند یا خیر ، بعیینه بنده این ماده چنین قانونی نیست نه فقط این ماده بلکه کلیه مواد ۲۶۶ که نظامنامه تشکیلات و مواد ۸۱۲ که نظام نامه

معاهدات و مواد ۶۰۰ که قانون جزائی هم قانونی نیست که قانون شده باشد بواسطه اینکه اصل ۲۷ مقدم قانون اساسی واصل ۷ قانون اساسی قانون را برای مامرفی مهکند اصل ۲۷ قوای مملکت بررسه شعبه تجزیه میشود اول قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهدیب قوانین و این قوه ناشی

میشود از اهلی حضرت شاهنشاهی و مجلس

شورای ملی و مجلس سنای و هر یک از این سه

منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی

استقرار آن موقوف است بعد مخالفت با

مواذین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح

بعضه همایون لیکن وضع و تصویب قوانین

راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات

مجلس شورای ملی است شرح و تفسیر قوانین

از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است

اصل ۷۴ - مادام که مجلس سنا منعقد

نشده فقط امور بعده تصویب مجلس شورای

ملی بعضه همایون موضع و بموضع اجرا

کهارده خواهد شد

این دو اصل از مقدم قانون اساسی و

از خود قانون اساسی قانون را بما معرفی

میکند که قانون آنچه ای است که در مجلس

شورای ملی تصویب شده باشد و قانون

اساسی را هم البته هم میدانیم که چه چیزی

است که این مجلس صلاحیت تفسیر آن را

ندارد والبته اگر بنا شود در اصول قانون

در انجمن امتحانات علمی و عملی

اصل و حقیقی خودشان خارج میشوند. یکی از آن موادرمی بینیم در مجلس است و آن این است که حکومت شوری در دنیا مبنی بر یک حکومت اکثریتی است و هاید راه خوبی هم نباشد بنده هم شاید معتقد باشند نباشم و خلی از بزرگان دنیا هم این مسئله را ذکر کردند و گفته و نوشتند که یک استبداد و ظلمی است که از نفعه نظر حرف عقبه پنهان و یکنفر ۴۹ نفر را تابع و تسليم خود میکنند ولی متاسفانه بدبختانه تا مرور یک راه دیگری از برای عمل کردن حکومت شوری پیدا نکرده اند.

وقتی که خواستند حکومت استبداد و فعال مایشانی واردی یکنفر را از میان بردارند و قائل بشورت شدن البته باید یک حدفاصلی برای عقبه صندوق ریا دویست نفر که داخل در حکومت شوری شده اند معین کنند آن قاطع و فاصل را غیر از اقلیت و اکثریت چیز دیگری پیدانگرند و وقتی که بین اقلیت اکثریت مباحثه پیدا میشود بالتفاوت با مخفیانه گفته میشود اصطکان پیدا می شود و زدو خورد پیدا می شود ولی بالاخره وقتی که اکثریت حکومت پیدا کرد دیگر اقلیت خود را تابع اصول حکم اکثریت می داند و وقتی در اصل قضیه حرف میزند دیگر نمی کوید خلاف قانون است زیرا اصلاً اگر این حرف را بزنند به حکومت شوری قائل نهست اما بنده در اینجا می بینیم اینطور نیست مثلاً از آنکه این مسئله مطرح شد و رأی داده شد که مجلس شورای مملی که قانون گذار است میتواند بیک کمپیونی که از آن منشعب میشود حق و اختیار بدهد و بدان بگوید تو برو و یک لوابع و فوایدی را به بین و تحقیق کن و بعد از آنکه تصویب مکرری فو و مجریه خواه و زیر عدلیه باشد و یا وزیر دیگر باشد (اگر آن قانون مربوط به وزارت تواند دیگر است) آن را بصورت قانون اجراء خواهد کرد و اسم آن قانون را هم قانون موقت می گذاریم.

حالا باز در این اصطلاح اینجا یک اشکالات دیگری می کنند مثلاً گفته میشود که همه قوانین موقتی است و فقط قانون الهی موقتی نیست این مسلم است ولی اصطلاحات در هر زمانی و هر اداره فرق میکنند مثلاً اگر مادر این مجلس شورای مملی قانون نیکه برای شورای هالی معارف وضع میکنم با اینکه قانون الهی نیست آنها را قوانین موقتی میگویند برای اینکه هنوز مرحل کامله خودش را در مجلس شورای ملی طی نکرده ولی مجلس بکمپیون اختیار داده است که آنها را تصویب کند ویس از تصویب بدولت اختیار داده است که آنرا

پیدا بکند و از حدود یک جواب و سوال مختصه میشود یعنی یک ناینده و یک وزیر تجاوز کند و جزو دستور شود برای کشف حقایق و روشن کردن مسائل بخواست و شاهزاده سلیمان میرزا هم با بنده در این نظر موافقت فرمود اند و هر دو این بیشنها دارالمضاه و بمقام ریاست تقاضیم کردیم ولی آن موقعی که بنده این بیشنها را کردم تصور نمود که این کرات مربوط باده قانونی میشود که مطرح است و اشکالاتی که در نظر بعضی از آقایان حاصل شده است مربوط باین حدود خواهد بود ولی هم دیشب و هم امروز بنده می بینم مطلب از این میزان خارج شده و بیک مطالب و اصل کلی دیگری مطرح نمیشود چون وظیفه بنده است که همیشه خود را تابع ترتیبات و تنظیمات بدانم این است که بدون مراجعته آن ترتیبات کم ممکن است اسان بنده از بیان آنها فاصله باشد ولی عقبه بنده از میزان مطلب هم خارج است بنده بدون معطای داخل در اصل موضوع میشوم ولی نظر باینکه آقای وزیر عدلیه دیشب اشاره فرمودند و حقیقت هم همین است یک مسئله در این مجلس شورای ملی وقتی مذاکره میشود مسکوت عنده و بی جواب مانند آن ممکن است تولید سوتعبریات و یک سابقه هایی بکند باین ملاحظه بنده بجزیانی که هجالت تایش آمده است خود را تسليم میکنم و یک قدری هم در اطراف آن مسائل صحبت میکنم.

آقای وزیر عدلیه دیشب نسبت بقسم تفسیر قانون و وظیفه مجلس و قانون بودن و قانون بودن اوایعی که از کمپیون عدلیه تصویب شده اظهارات کافی و واقعی کردن که بدرجه متفق و مطابق با اصول بود که تصویر نمیکنم مذاکره در آنها دیگر لازم باشد اما چون باز مطلب تجدید شده است بنده هم ناچارم یک مقدار از فرمایشات آقای وزیر عدلیه را تکرار کنم چون حقایق یکی است ممکن نیست یک حقایق را ذکر کرد بدون اینکه وارد مکرات شده و قبل از آنکه اصل مطلب را بعرض آقایانه بر سانم یک نکته را میخواهم مذکور شوم: ما می بینیم که کلیه مسائل و کلیه اصول و عقاید متأسفانه در مملکت ما از طرز و ترتیبات جریان خودش خارج میشود و در هر قسمی از زندگانی اجتماع خودمان که نگاه کنیم باین درد مبتلا هستیم خیلی چیزهای خوب و مسلم و روشن است که اما اقتباس کردیم تقلید کردیم فرض کردیم و آنها را آوردیم که برای خودمان هادت ناگوی کنیم و مدار زندگانی خودمان را بر روی آن بگذاریم ولی در آن قسم عملی آنها از صورت

ما بعد از تحصیل و زحمت و دوندگی و گرفتن دیبلم حاصل اگر بازمتعان بدیم بما بر میخورد و برای ماوهن است و انصافاً هم باشد تصدیق کرده و در واقع یک مطلبی در خارج گفتگو میشود مثل اینکه یک مظلومی بیش آمده است و بعقیده بنده مجلس شورای ملی که مرکز نقل مملکت است میتواند این مطلب را بطوری حل کند که به مقامات وزارت عدلیه بر بخورد و نهاین جوانه هایی که سالها زحمت کشیده اند رنجیده خاطر شوند و نه اسبابی فراهم شود که من بعد بدیبلم اهمیت داده نشود و از بین بروند این است که بنده بعقیده خودم یک بیشنها دیگرها و اشکالاتی که در نظر بعضی از آقایان حاصل شده است مربوط باین حدود خواهد بود ولی هم دیشب و هم امروز بنده می

بینم مطلب از این میزان خارج شده و بیک مطالب و اصل کلی دیگری مطرح نمیشود (جهت اطمینان نمودند - فرات) بفرمانیم

چون چشم درست نمی بیند تقاضی میکنم که قرائت شود و درخانه تذکار می دهم و تکرار می کنم که این صحبت ها و حکایتها برای قضایت نیست و ماصحبت قضایی نداریم و همین فقره چهار از ماده ۱۴۷ هم که مطرح است اصلاح اسلام قضایی و قضات ندارد حکایت معاکوم و اعضاء و اجزاء است و در تمام این هشت تصدیق و دوازده ماده قانون هم یک کلمه لفظ قضایی نیست حالا ما یک چیز تازه درست کنیم که دیبلم بیاورند و قضای شوند این یک چیز غریب است و لئیس آقای نصرت الدوّلہ موافق بقضیه نصرت الدوّلہ - موافق رئیس - بفرمانیم

نصرت الدوّلہ - بنده که عرض کرد موافق دیدم همه آقایان می گویند باجه و ماقضی دیدم سوال واردی است برای اینکه اول باید فهمید که موضوع مذاکره چیز است و مصالحت مذاکره بازیست و مخالف مخالف باشه؟ بنده که گفتم موافق از نقطه نظر مسائلی بود که ناطق معتبرم که قبل از بنده کرسی خطابه را بوجود خودشان شرف داده بودند اظهار مخالفت کردن بنده عرض کردم موافق یعنی با انتزاع ایشان مخالفم ولی قبل از این که هر ایض خود را بکنم خواهش میکنم که بیشنها آقای شیخ الاسلام قرائت شود شاید آن بیشنها یک قسم از عرایض بنده را دارد کنند ۰۰ رئیس - بیشنها بعد از ختم مذاکرات

قرائت میشود نصرت الدوّلہ - دیر و زرد نباله سوالی که از آقای وزیر عدلیه راجع بازمتعان شاگردان دیبلمه مدرسه سیاسی شده بود و جوابه ای که ایشان دادندیک مذاکرانی بیان آمد و چون مذاکرات مربوط بیک اصل مهمتری بود بنده همچو نصود کردم که اگر تقاضا بکنم که مطلب یک توسعه

بردها نه در همه آنها اصول قضایت شریعه بیک منوال بدون کم و زیاد مندرج است حالا اگر در بعضی از مسائل جزئی اختلاف باشد جزوی نیست که موجب اختلاف اساسی بشود غرض یک شرایط ابتدائی دارد که بعد مدد الله همه ایرانیها دارای آن شرایط هستند مثلاً قاضی باید بالغ باشد. عاقل باشد مرد باشد. (ذن میتواند قضایت کند) باید از اهل ایمان باشد . حلال زاده باشد این شرایط بعد مدد الله در تمام ایرانیها است و یک شرایط بالاتری هم دارد و آن این است که قاضی باید علم کلام بداند که علم مفصلی است . باید علم اصول بداند. علم فقه بداند تبعو اند بداند. حرف بداند اصول اربعه را کاملاً بداند و آن اصولی که کند که کتاب و سنت (که اخبار باشد) و عقل اجتماع است از روی این چهار چیز باید بتواند احکام را استخراج کند و باید تفسیر قرآن را بفهمد و بداند و اخبار آل محمد علیهم السلام را بداند و مربوط باشد که صحیح کدام است مونق کدام است ضعیف کدام است حسن کدام است و باید بیک ذوق و مشربی داشته باشد تا بتواند استخراج احکام بحکم اجتماعات و اهمیت اجتماعات و بداند که فتوی برخلاف اجتماع ندهد باید ادله عقليه را بداند که آنهم تفاصیلی دارد علاوه بر تمام اینها باید یک قوه الایمه داشته باشد که از این مقدمات و علوم بطور صحیح حکم خدا را استخراج کند آنوقت یک همچو کسی آن قاضی است که هم خدا وهم بغمبر خدا دستور داده اند حقوق مردم اعم از بیک بول یا صد هزار تومن یا یک میلیون باید در نزد یک همچو شخصی قطع و فصل بشود دیگر از شرایط مهم قاضی این است که باید عدالت داشته باشد اگر فاسق باشد و تمام این علوم را دارا باشد فائمه ندارد بعد از این مقدمات هر چیز میکنم حالا یک مطلبی بیش آمده است و یک اعلانی از طرف وزارت جلیله عدلیه (که در نظر تمام ایرانیها یک وزارت توانه هر یز و معتبرم است) داده شد و از برای مجلس شورای ملی هم لازم است که حفظ جنبشات تمام وزارت توانه ها را (بعضی ها میگویند مخصوص بعضی ها) داده باید عذر این مقصود و اگر با یک نظری اعنتانی باشند اعلان که از هدله بیرون آمده نگاه شود البته با جنبشات یک وزارت توانه که خیلی هزیز است منافع دارد و از بیک طرف هم بیک عذر از مصلحت ایرانی که سالها زحمت کشیده اند صدمات و بی خوابی هاچه فلاکتها کشیده اند (بعضی دواین مملکت که ساخت اهمیت کاملاً داده نشده بود) آنها بس از زحمات خود و والدینشان یک دیبلم گرفته اند و حلال میگویند

را قبلاً مشخص میکنند مثلاً در اروپا مثل میز نم برای اینکه تا اندازه این تشکیلات و ترتیبات ما نقلاب از ترتیبات آنجا بوده به پیشنهاد ترتیبات آنچه فرار است می‌گویند برای اینکه یک شخص و کیل یا قاضی بشود باید تمهیل حقوق دادریک مدرسه حقوق بگند و یک مدرسهم تأسیس شده است با اسم مدرسه حقوق این امتیاز مال مدرسه حقوق است و مدارس دیگر که خیلی زیاد هستند دیلم آنها دارای این امتیاز نیست و فقط این امتیاز منحصر به مدرسه حقوق است و پروگرامی هم برای آنجا نوشته اند و گفته اند اگر سه سال در این مدرسه تحصیل کردی (لیسانسی) می‌شود (عذر می‌خواهم اگر این اصطلاحات را عرض می‌کنم - برای مثل است) و آنوقت حق این را داری که بروی و کیل عدیه بشوی و اگر دو سال دیگر تحصیل کردی آنوقت دکتر می‌شود و سه سال دیگر که تحصیل کردی آنوقت (آگر ته) می‌شود یعنی مقدمه معلمی یعنی معلمینی که هنوز دارای حقیقت معلمی نشده اند وقتی که آگر ته شد باید کم کم شروع به تدریسی ای کوچک بگند تا معلم شود ولی حالاً می‌خواهیم به پیشیم وقتی که شاگرد رسید بدرجہ (لیسانسی) و دکترو امتحان دادو دیلم گرفت یا اینکه این تحصیلات را برای رسیدن بمقام قضایت یا وکالت عدیه کرده آیا میتواند بر و دیگرانه بنشینند و بگویند بندۀ قاضی هستم هیچ نمی‌شود ملاحظه بفرمائید شاگردانی که متوسطه باشند یعنی نه خیلی تندذهن و نه کندذهن باشند و ترتیبات تحصیلات مقدماتی و متوسطه آنها هم پر تیغه اند جریان پیدا کرده باشد ممکن است در سن بیست و دو سالگی دارای دیلم دکتری بشوند خود بندۀ پس از اینکه تحصیلات خود را به یادان رساندم مدت بسیاری در عدیه اروپا بست و کالت استاذ دادم و کار می‌کردم و در این مدت هیچ ندیدم که قاضی کافی نیست و بافرض اینکه شاگرد تحصیلات ماهم رعایت مسئله سن را کرده است که باید قاضی از سی سال امّتیز نداشته باشد فقط تحصیل کردن و اخذ دیلم و نیل بیک مرتبه از علم بعقیده بندۀ برای قضایت کافی نیست و بافرض اینکه شاگرد تحصیلات خویش را بیان و رسانده و تمام مراحل تحصیلات را علی کرده و موفق باختن دیلم شد باز باید برای قضایت داخل مرافق عمل شده و مدتی برای تجربه و آزمایش کار کند زیرا مقام حکومت و قضایت یک مقام بسیار مهمی است که نمی‌شود به هول آنرا اشغال کرد.

همانطور که حاکم شرع باید دارای شرایط معینی که آقای شیخ الاسلام بیان فرمودند باشد همانطور هم حاکمی که در

آمده اندو پشت این کرسیها نشسته اند و بیک مدتی هر شان را صرف زحمت و کار کرده اند و تجربیاتی در این مدت تحصیل کرده اند حالاً اگر بیاهم بگوئیم باید شما خارج بشوید البته کار مشکلی است و خود بندۀ هم در اقرار این تقدیر تا اندازه ممکن است شریک باشم و حق دارم حرف بزنم علی الخصوص که آنها را اشخاصی که بالاتر از آنها بوده اندو اختبار داشته اند آورده اند و در آنجا نشانیده اند خود بخود کسی نرفته است پشت کرسی و کالات عمومی و قضایت بنشینند البته اینها را بیک مکنی آورده است از آنطرف هم صرف نظر هم از قانون نمی‌شود کرد پس حالاً ما چه باید بگوییم؟ بعده بندۀ خارج از دو راه نیست چون موضوع گفتگو در اینجا مسئله شاگرد های مدرسه سیاسی است مخصوصاً می‌خواهم اینجا رفع اشتباه کنم ذیرا شنیدم از اظهارات بندۀ و شاهزاده سلیمان میرزا قدری در خارج سو هاستفاده کرده اند که تمام اظهارات ما راجع باین ماده ممکن است راجع بدوازده نفر یا سیزده نفر شاگرد مدرسه سیاسی باشد البته نظر بندۀ و شاهزاده هم محقق عنوان مدرسه سیاسی نبود بلکه از نقطه نظر کلی بوده است

نظر بندۀ این بود که در این موافع برای این عده که در عدیه هستند (می‌خواهند شاگرد مدرسه سیاسی باشند می‌خواهند نباشند) آقای وزیر عدیه بیک رویه برای آنها اتخاذ کرده اند که مطابق با قانون هم وظیفه ایشان همین بوده ما خواستیم؛ پیشیم کمی تو این بست قانون گذاری مجلس شورای ملی بیک رویه اتخاذ کنیم که تطبیق با نظریه آقای وزیر عدیه بگند یا خیر؟ اینجا بعقیده بندۀ مطلب دوچیز است و در هر صورت بندۀ قائل بیک مطلب هستم و آن این است که مانعی نمی‌توانیم بگوییم که بعد از آن تاریخ یک عده اشخاصی داخل استخدام عدیه شده اند و کرسیهای محکم را اشغال کرده اند بدون اینکه متابعت این ماده که باین ماده اشاره می‌کند و دریک تاریخی صادر شده است و ما می‌بینیم که بعد از آن تاریخ یک عده اشخاصی داخل استخدام عدیه شده اند و کرسیهای محکم را اشغال کرده اند و بگند و می‌گوییم مکلف شده باشد یعنی بدون اینکه متابعت این ماده باشند وارد عدیه شده اند حالاً امروز مایک وزیر عدیه پیدا کرده ایم که می‌خواهد تطبق قوانین کامل رفتار گند و می‌گوییم مکلف هستم باینکه این ماده قانون را اجرا کنیم یعنی بیشیم اگر در عدیه بیک قاضی هست که تطبیق با ماده نمی‌کند اورا بعوت کنیم که بیا خودت را با این وظیفه که قانون معین کرده است مطابق کن والا تو نمیتوانیم اینجا باشی در این صورت البته ما نمیتوانیم بوزیر عدیه اعتراض بگوییم ذیرا ماده قانون نمی‌صریح است و وزیر عدیه هم محقق است اما از آنطرف (این عقیده شخص خودم است هر ضمیمه) ما مراجعت می‌کنیم که ۵ سال است شش سال است هفت سال است هشت سال است بمرور بیک اشخاصی

آنها از مواد ارجاع بشرع است که در قانون مشخص و معین شده و محکم هم متابعت همین قوانین را میکنند اگر مستثنیاتی هم باشد حکم عمومی و غیری بست و هر گاه موقعی بیدا شود که احتیاج بحاکم شرع داشته باشد از خود سلب و ارجاع به حکم مداخله و رونه صادر مکنند از این دوراین صورت دیگر تند کار این مطلب بایک صورتی که ممکن است موهوم این باشد که وکلایی که در این مجلس نشسته اند یا کلامی که مسابق در این مجلس بوده اند یا در کمیسیون بوده اند برخلاف موازین شرعی رفتار کرده باشند بعقیده بندۀ بکلی زائد است واما در اصل مسئله یعنی دو فقره چهارم ماده ۱۴۷ خلبان مطالعه کردم تفسیر و تعبیر همیشه از برای مواردی است که مبهم و مجلل باشد این ماده صریح و فارسی خلبان ساده است و بهیچ نوعی ابهامی هم ندارد که ما بگوئیم باید این ماده را تفسیر یا توضیح کنیم یس اگر بندۀ قائل بودم که در این مطلب مذاکره کنم یا چیزی با آن علاوه کنیم از این نقطه نظر نیست که ابهامی در این ماده باشد بلکه از این جهت است که امروز ما در عمل، با این ماده ۱۴۷ بیک ترتیباتی برخورد نمایم که از برای متوفکرین و یک قسمت زیادی از مردم تولید اشکالاتی کرده البته اگر ما بتوانیم هم از این ماده استفاده کنیم و هم حساب آن اشکالات را رفع کنیم و وجه حل و راه حل پیدا کنیم (ولو تفسیر قانون نباشد) یا چیزی بر آن ماده اضافه کنیم و یا کسر کنیم البته هیچ ندارد مبتلا به ما این است که مطابق این قانون کلیه اعضائی که در معاکم عدیه باشند و نشینند و قضایت کنند با این ماده امتحان داده باشند و این نظام نامه که باین ماده اشاره می‌کند و دریک تاریخی صادر شده است و ما می‌بینیم که بعد از آن تاریخ یک عده اشخاصی داخل استخدام عدیه شده اند و کرسیهای محکم را اشغال کرده اند بدون اینکه متابعت این ماده باشند وارد عدیه شده اند حالاً امروز مایک وزیر عدیه پیدا کرده ایم که می‌خواهد تطبق قوانین کامل رفتار گند و می‌گوییم مکلف ۲۱ قانون اساسی بندۀ هر ضمیمه این اصل نه فقط برای اینکه یکی از اصول قانون اساسی است برای ما معترم است این اصل همیشه برای ما معترم بود و تا یوم القیامه هم معترم خواهد بود چون اصل مذهبی ما است خوب بود نماینده معترم در جویع می‌فرمودند تتمام مادو قوانینی که در کمیسیون عدیه تقویت شده و امروز معمول باست و می‌بدیدند که کاملاً رعایت دین و مذهب ما در آن قوانین شده و در هیچ موردی که موردنقضایت شریعی است و باید بتوسطیک مجتهد جامع الشرایط حل بشود ابدآ آن موارد در محکمه حل و تصفیه نمی‌شود و تمام

برای استخدام تمام اعضای عدله وظیفه را معین کرده است اینکه برای تذکار می خوانم :
روس و اعضاء معاکم و صاحب منصبان مستخدمین عدله کلیتبا باید دارای شرایط و اوصاف ذیل باشند :

اولاً تابعیت ایران ، ثانیاً دین اسلام (الله) مسئله سن است ، رابعاً دادن امتحان علمی و عملی در انجمن امتحان وزارت علمی موافق پروگرامی که وزیر عدله مرتب و بعداز گذشت آزمونات لازمه طبع واعلان خواهد کرد (مادام که مدرسه حقوق تأسیس و اجزاء برای معاکم و ادارات عدله نمایندگان نشده است)

این اصل متن ماده است که شرط حتمی رئیس شدن وعضو شدن در معاکم و شرط مستخدم شدن در عدله است حالا این ماده شرایط دیگری دارد که راجح بطلب مانیست عرض و تکرار می کنم و فقره رابع آن همانطور است که طبع شده و در حضور نمایندگان موجود است می نویسد رابعاً دادن امتحان علمی و عملی در انجمن امتحان وزارت عدله موافق پروگرامی که وزارت عدله مرتب و بعد از گذشت آزمونات لازمه طبع واعلان خواهد کرد که عدله مرتبت از مدت ۱۴۷ میانیم وظیفه نمایندگان محترم بود که بعبارت اخیر و قتیکه ما معتقد شدیم بهیئت متحنه و باینکه تمام اعضای عدله باید امتحان بدنه آنوقت مطلقاً باید قابل شد که خود آنها باید بیانند و امتحان بدنه و از روی دوسيه بطوریکه شاهزاده نصرت الدوله فرمودند نمیشود امتحان کرد راست است من نظر حضرت والا راصدیق دارم و از نقطه نظر تسریع کار و خوابانیدن قبل و قال ممکن است مباررت بچنین ترتیبی نمود و ای بیگرداینکه ما قابل باین مسئله شویم آنوقت از حدود قانون خارج و موجب زحمات دیگر خواهد شد

نصرت الدوله - من از قیل و قال نمیترسم و از شفت افکارهم بیمی بوجود خود راه نمی دهم.

وزیر عدله - بنه کار ندارم که حضرت والا میترسید یا نمی ترسید ولی در هر حال این قسم امتحان مطابق قانون نیست ولی بنه با نظر دیگر حضرت والا که میفرمایند (پروگرام فملی مدرسه حقوق آن پروگرامی نیست که برای ما قاضی تهیه کنم) موافق و خود بنه یکی از مصدقوین مسئله هستم و قبل از اینکه حضرت

بان قسم دارم ولی شخصاً عقبه دارم که امتحان از روی دوسيه باشد و این شق را ترجیح میدهم در این قسم تصور میکنم از نقطه نظر افکار و عقاید خودم چیز ناگفته دیگر نگذاشتم

در ذاته و یا بآن عرايی خودم می خواهم خاطر آفایان را متوجه یک مسئله بگنم ما باید همراه قانون و اجرای آن را در نظر بگیریم و در مسائل شخصی بدون جهت و دلیل استقبال مضرات و مخاطرات بزرگی را کردن فایده ندارد

دسته را در مقابل دسته دیگر بر

انگیختن و اغرا کردن سودی نداشته و عاقبت خوشی را شامل نیست بنه یک مذاکراتی کردم حالا البته هرچه مجلس شورای ملی رأی دهد مجری و مصائب

است .

وزیر عدله - مطابق دستوریکه معین شده بود بنه حقاً مستحب و تماشاجی بودم زیرا دستور تفسیر فقره چهارم از ماده

۱۴۷ اصول تشکیلات بود مادام که مذاکرات در حدود تفسیر بود بنه حق داشتم ساکت و خموش باشم و مجاز و آزاد بودم که مشارکت در مذاکرات تنایم وظیفه نمایندگان محترم بود که هر کس بر حسب عقبه خودش هر اظهار اتی دارد بکند زیرا آنها که قانون را صریح بگویی می توانند از روی دوسيه درجات فضلی و علمی و عملی بلکه اخلاقی آنان را که از روی دقت آنها را امتحان می کنند بخوبی می توانند از روی دوسيه درجات

نصرت الدوله این نکته را یاد آوری کنم که در اینجا چند کلمه باشان هر دسته از این اشخاصی که در این مدت داخل عدله شده اند هر کس باشد من دون استثناء از روی دوسيه عمل امتحان بدنه و اشخاصی که از روی دقت آنها را امتحان می کنند بخوبی می توانند از روی دوسيه درجات

فضلی و علمی و عملی بلکه اخلاقی آنان را هم معین و معلوم کنند چه برای قضایت و عضو معکوه بودن قطع نظر از مراتب

علمی و عملی مراتب اخلاقی هم کاملاً لازم و جزء یکی از شرایط مهم است که باید هنگام امتحان مراعات و ملحوظ شود ضمناً آن اشکالاتی هم که آفایان راجع به

متارکه و بعضی مسائل دیگر فرمودند رفع می شود و بقانون ۵-۶ عمل شده است و بالاخره اگر این امتحان علمی و عملی هر دو از این راه حاصل شود اشکالی بیدا

نخواهد کرد و چنانچه عرض شد اساساً باید آنچه نزدیک یک پروگرامی تهیه و بیشنده کنند که من بعد قاضی هائیکه از این مدرسه بیرون می آیند از امتحان دخولی در عدله مصون و مستثنی باشند این یک شق امتحان توجه بودن آن گرفته شود بس از قابل توجه شدن باید دو شور در آن بشود بس از طی همه این مرحله آنوقت فقره چهارم راجع بتغییر دهید باید قبول زحمت فرموده اولاً طرحی مرقوم دارید و بدو آن کمیسیون مبتكرات بروند سپس بمجلس برگرد و رأی بقابل توجه بودن آن گرفته شود بس از قابل توجه شدن باید دو شور در آن بشود بس از طی همه این مرحله آنوقت فقره چهارم راجع بتغییر بشود اعتبار ندارد پس بنا بر این آن شق اولی که حضرت والا پیشنهاد فرمودند (از نقطه نظر رسیدگی بدوسيه) بعبارت دیگر فراموش کردن فقره چهارم قانون تا امروز و شروع کردن با امتحان از امروز بعد از حدود قانون خارج است بعیده بنه فقره چهارم خیلی روشن است و به چوچه محتاج بتفسیر و تعبیر نیست قانون

ولی با تمام این نظریات بنه میخواهم عرض کنم شاید در این قسم ثانی موافقین من بدرجه قسمت اول باشند .

اما اگر بنه این نظر ثانی را دارم برای این است که داخل در عمل بوده ام و میتوانم در این رشته از نقطه نظر عمل هم نگاه کنم .

لذا بنه عقیده ام این است این امتحان را که آفای وزیر عدله می خواهد باین نحو قرار دهند این قسم امتحانیکه بخواهم عرض کنم بنظر بنه بر طبق همان نظام امتحانه است و البته با این حال مرا حل داشته است

بله عرض کردم ما هنوز مدرسه که قابل استثنای باشیم نداریم زیرا حقیقتاً مدرسه که شاگردان آن تمام مرحله قضایت را طی کرده باشد تا حال در ایران وجود نداشته است و فقط ما بیک مدرسه سیاسی داریم .

راست است در این مدرسه مقدمات همین علمی که برای قضایت لازم است تحصیل و تدریس میشود ولی البته خود شاگردان فارغ التحصیل آن مدرسه اعتراف خواهند کرد و اگر آنها باین حقیقت تصدیق نکنند ما اینجا اقرار خواهیم کرد که آن مقدمات کافی نیست بلکه بنه بالآخر از این عرض میکنم و میگویم این موادی هم که در نظر امتحانه امتحان وزارت عدله نوشته شده شده اساساً آنطور که باید کافی باشد نیست منتهی چون آن وقی که این نظام امتحان برای اعضاء عدله نوشته و انشاهد .

سر و کار این وزارت تغایر با طلب های مدرسه و کار کرده ای قدمی مدارس بود که میخواستند داخل این وزارت تغایر باشوند آن اشکالاتی هم که آفایان راجع به متارکه و بعضی مسائل دیگر فرمودند رفع می شود و بقانون ۵-۶ عمل شده است و بالاخره اگر این امتحان علمی و عملی هر دو از این راه حاصل شود اشکالی بیدا نخواهد کرد و چنانچه عرض شد اساساً باید آنچه نزدیک یک پروگرامی تهیه و بیشنده کنند که من بعد قاضی هائیکه از این مدرسه بیرون میخواهد شاگرد غیر از این مدارس باشد باشد باید امتحان بدند چرا؟ برای اینکه هیچکدام از این مدارس و حتی همان مدرسه سیاسی و حقوق هم که بنه مدافعان آن هستند داخل استثناء نیست

(گفته شد صحیح است)

وقتی میتوانند این مدارس قابل استثناء باشند که وزارت عدله بیک پروگرام صحیح اساسی برای آن تهیه کرده و ترتیب دهد و آن پروگرامهم باید با احتیاجات مملکتی و اخلاقی و بالاخره با تخصیباتی که برای قضایت لازم است کاملاً مطابقت کند آن وقت نسبت بشاگردانی که با این ترتیب از مدرسه بیرون میآیند میتوان قائل با استثناء بشه .

برای اینکه کچ نرفته باشیم و سوء تعبیر نشده باشد لازم است توضیح بدهیم این مدرسه حقوق حالیه و قاضی استثنای خواهد شد که مرحله مقدماتی خود را بطوری که عرض کردم طی کرده باشد بنه تعبیضی نه با این قسم امتحان و

محکمه در سریر قضایت جلوس میکند و مقدرات حقوقی مردم را در دست میگیرد باشد دارای یک شرایط معین و معلومات و تجربیات کافی و واقعی باشد که در نتیجه بتواند چنانچه باشد و شاید قضایت کند این مذاکرات برای این بود که خواستم توجه آفایان را با این نکته معروف کنم که تنها تحصیل در مدرسه کافی نیست و برای قضایی شدن و قضایت طی مرحله دیگری هم لازم است .

بله عرض کردم ما هنوز مدرسه که قابل استثنای باشیم نداریم زیرا حقیقتاً مدرسه که شاگردان آن تمام مرحله قضایت را طی کرده باشد تا حال در ایران وجود نداشته است و فقط ما بیک مدرسه سیاسی داریم .

راست است در این مدرسه مقدمات همین علمی که برای قضایت لازم است تحصیل و تدریس میشود ولی البته خود شاگردان فارغ التحصیل آن مدرسه اعتراف خواهند کرد و اگر آنها باین حقیقت تصدیق نکنند ما اینجا اقرار خواهیم کرد که آن مقدمات کافی نیست بلکه بنه بالآخر از این عرض میکنم و میگویم این موادی هم که در نظر امتحانه امتحان وزارت عدله نوشته شده شده اساساً آنطور که باید کافی باشد نیست منتهی چون آن وقی که این نظام امتحان برای اعضاء عدله نوشته و انشاهد .

سر و کار این وزارت تغایر با طلب های مدرسه و کار کرده ای قدمی مدارس بود که میخواستند داخل این وزارت تغایر باشوند آن اشکالاتی هم که آفایان راجع به متارکه و بعضی مسائل دیگر فرمودند رفع می شود و بقانون ۵-۶ عمل شده است و بالاخره اگر این امتحان علمی و عملی هر دو از این راه حاصل شود اشکالی بیدا نخواهد کرد و چنانچه عرض شد اساساً باید آنچه نزدیک یک پروگرامی تهیه و بیشنده کنند که من بعد قاضی هائیکه از این مدرسه بیرون میخواهد شاگرد غیر از این مدارس باشد باشد باید امتحان بدند چرا؟ برای اینکه هیچکدام از این مدارس و حتی همان مدرسه سیاسی و حقوق هم که بنه مدافعان آن هستند داخل استثناء نیست

(گفته شد صحیح است)

وقتی میتوانند این مدارس قابل استثناء باشند که وزارت عدله بیک پروگرام صحیح اساسی برای آن تهیه کرده و ترتیب دهد و آن پروگرامهم باید با احتیاجات مملکتی و اخلاقی و بالاخره با تخصیباتی که برای قضایت لازم است کاملاً مطابقت کند آن وقت نسبت بشاگردانی که با این ترتیب از مدرسه بیرون میآیند میتوان قائل با استثناء بشه .

و زحمات بی بایان کشیده‌اند (خود حضرت والا هم‌جون شخص متعصب و با دیانتی هستند میدانند که تحصیلات ما در مدارس بجهه ذات بود) بگویند تو باید امتحان بدشی اما بقلاً شاگرد مدرسه سیاسی بمجرد کرفتن فلان کاغذ بگویند بدون امتحان داخل شو انصاف عدالت وجودان هیچکدام حکم نمیکند آنها را مستثنی کفند. اگر خدای نخواسته بگوییم که امتحان ظالم است باز ظالم بالسویه عدل خواهد بود اگر امتحان مناطق امتیاز فضلی است باید نسبت بعوم باشد این معلومات شاگرد فارغ التحصیل مدرسه‌چیزی نیست که در او خاطر باشده‌یشه همراه‌اوست و هر وقت باو بگویند فلان عبارت فقه را معنی کن يا فلان قسم تاریخ يا دفتر داری را شرح بهه باید حاضر باشد مخصوصاً باید بقدیم چدیت کرد که مسئله امتحان تمام معاکم عدله را بگیرد زیرا بنه میدانم که چه نوع اشخاصی بدون امتحان در معاکم عدله امتحان شده اند و چقدر حقوق مردم را بایمال کرده‌اند. تمام زحمات ما در مشروطیت برای عدله بود همه بیاد می‌زدیم عدله می‌خواهیم عدله ضامن هر ض و ناموس و جان ما است اگر ما باصلاح عدله توجه کنیم و عدله را مرتب کنیم راحت هستیم و استقلال داخلی و خارجی نمی‌شود مکرر بواسطه عدله و عدله که درست نمی‌شود مکرر اینکه اشخاصی عده در عدله مستخدم هستند امتحان بدهند این است که بنه از حضرت والا تفاصل می‌کنم با بنه موافقت بفرمایند این مسئله امتحان را عمومیت و بسط بدھیم و همه امتحان بشوند تابتوانند از عهده محافظت عرض و ناموس ما برآیند. گمان می‌کنم که امتحان خلاف هیچ چیز نباشد و یقین دارم که حضرت والا هم در این مسئله با بنه مساعدت بفرمایند.

رؤیس - چون عده کافی نیست اگر آفایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً در تحت ریاست آفای نصرت‌الدوله نایب رئیس تشکیل گردید)

نایب رئیس - چون عده برای مذاکرات کافی نیست امشب جلسه را ختم می‌کنیم آفای نصرت‌الدوله فجات - خوب است اسمی اشخاصی که امشب مجلس را از اکثریت اندداخته‌اند ..

نایب رئیس - اجازه بدهید دستور جلسه آنیه اولاً - تعقیب مذاکره که امروز مطرح بوده

شدم و رای داده شد کاین جلسه تشکیل شود. نابتاً در جواب حضرت الا شاهزاده سلیمان میرزا هر ض می‌کنم بنه از کسانی هستم که همیشه می‌خواهم امتیاز فضلی در مملکت باشد ولا تنسو الفضل بینکم وا شمار خود فرار میدهم جد من یخچر علیه السلام می‌فرماید لاذغرا اهل العلم معلوم است همه‌ماها معارف خواه هستیم و امتیاز فضلی را مراعات می‌کنیم و باید امتحان نسبت بعوم باشد. وقتی کفرمودند السارق السارقه فقطعوا ایدیه‌ما حکم عدله است و مقصود این بنه که اگر یک کسی فلان طور باشد دستش قطع نشود مجلس شورای ملی گفته است شرط دخول در عدله امتحان است غلام جوشی باشد یا سید فرشی تحصیلش در امریکا باشد یا در نجف باشد در مدرسه سیاسی باشد یا در مدرسه حقوق باشد فقط و فقط شرط داخل شدن در عدله امتحان است حالایک وزیر جدی بیداشد و بخواهد مواد قانون را اجرا کند خلی تهیب است که ما بگوییم آقای وزیر مواد قانون را نسبت به بعضی اجراء کن و نسبت به بعضی دیگر تخفیف بده خلی تهیب اینکه هر ض کردم کسانی که در عدله بوده‌اند و امتحان نداده‌اند امروز باید امتحان بدهند بنه نگفتم که نام اعضاء سابقه هم که امتحان داده باشند مجدداً باید امتحان بدهند و قضاوه هستند و قضاوه هستند در عدله شوند بدون استثناء باید امتحان بدهند و کلیه کسانی که امتحان نداده‌اند ابتداً پنجم شش سال رسیدی. رئیس محکمه، یک قدم را باهم برداریم امتحان بده و مجدداً سرجای خودت برو و همان نتیجه چندساله خودت را دارا باش بنه گفتم هوش اینکه ازینجره داغل این اطاق شدی از دربی که قانون معین کردم شدی خلی خوب‌اما این شرایط معمینه باشد و در صورت فقدان آن شرایط نشیون از درست‌نموده‌الات مثل نشستن در کوچه است ما باید بگوییم قانون صریح است و امری را هم استثنای نکرده است و فقط استثنای که قائل شود برای دیلمه‌های مدرسه حقوق می‌باشد حالاً بنه مکاری ندارم باشند که این مدرسه حقوق ناص است مرام و آذوه بنه این است که پرگرام مدرسه حقوق ما ہر طبق تکمیل شده و در این زمینه حاضر هرچه آفایان بفرمایند قبل کنند حالاً ممکن است بعضی از آفایان بگویند اسلام مدرسه حقوقی را برای چه مقنن استنا کرده و هلت و فلسفه آن این بود که اشخاصی که از این مدرسه حقوق فارغ التحصیل می‌شوند دیگر محتاج امتحان نیستند زیرا امتحان برای داشتن معلومات است و غیر از این معنی ندارد امتحان میزان معلومات را معین می‌کنند هات اینکه مقنن مدرسه حقوق را ممکن داشت این است که ممامش بود فارغ

التحصیل های این مدرسه دارای معلومات لازمه هستند در این جاست که مطابق همین فلسفه که ذکر کردم قانون باید تفسیر شود زیرا ممکن است در مدارس دیگر هم اشخاصی دارای همین اندازه معلومات باشند اگر از این فلسفه و تفسیر خارج شویم هرچه بگوییم برخلاف قانون خواهد بود ما باید از کفرمودند جلسه نمیتوانیم فقره چهارم از ماده ۱۴۷ را تغییر بدھیم طریق تغییر این ماده را قانون اساسی و نظام‌نامه داخلی معین کرده. آفایان هر نظری دارند بیشنهاد به بفرمایند البته رای اکثریت مجلس قاطع است. مطلب دیگر که در اینجا اشاره شد این بود که یک اشخاصی داخل در عدله هستند و مدتی هر خود را در آنجا صرف نموده‌اند و باید نسبت بآنها ساخت گیری کرد اولاً بنه ممکن است بگوییم در تمام دنیا عدم اطلاع از قوانین عذر مسموعی نیست و هر فردی از افراد مملکت مکلف است قوانین را بدانند بنابراین کسانی که مدتی عمر خود را در روزارت عدله صرف کرده‌اند بله این خطر را استقبال کرده‌اند کیا روزی یک وزیری پیدا خواهد شد که آنها را خارج نماید بنابراین امتحان چیز تازه نیست تا اینجا بنه هر ض کردم کسانی که در عدله بوده‌اند و امتحان نداده‌اند امروز باید امتحان بدهند بنه نگفتم که نام اعضاء سابقه هم که امتحان داده باشند مجدداً باید امتحان بدهند و قضاوه هستند و قضاوه هستند در عدله شوند بدون استثناء باید امتحان بدهند و کلیه کسانی که امتحان نداده‌اند اصلًا قاضی نیستند و بنه در مجلس مشاوره هایی وزارت عدله گفتم که از محکمه تمیز نمی‌گیریم چطور احکام معاکمی را که اعضاء آن دارای شرایط صحیح نیستند معتبر می‌دانند و قبول می‌کنند قاضی باید دارای شرایط معمینه باشد و در صورت فقدان آن شرایط نشیون از درست‌نموده‌الات مثل نشستن در کوچه است ما باید بگوییم قانون صریح است و امری را هم استثنای نکرده است و فقط استثنای که قائل شود برای دیلمه‌های مدرسه حقوق می‌باشد حالاً بنه مکاری ندارم باشند که این مدرسه حقوق ناص است مرام و آذوه بنه این است که پرگرام مدرسه حقوق ما ہر طبق تکمیل شده و در این زمینه حاضر هرچه آفایان بفرمایند قبل کنند حالاً ممکن است بعضی از آفایان بگویند اسلام مدرسه حقوقی را برای چه مقنن استنا کرده و هلت و فلسفه آن این بود که اشخاصی که از این مدرسه حقوق فارغ التحصیل می‌شوند دیگر محتاج امتحان نیستند زیرا امتحان برای داشتن معلومات است و غیر از این معنی ندارد امتحان میزان معلومات را معین می‌کنند هات اینکه مقنن مدرسه حقوق را ممکن داشت این است که ممامش بود فارغ

آفایان بیعیب - اولاً بر طبق

بیان حضرت والا کفرمودند مطابق فلسفه حکومت شوروی باید صحبت کنند دیگر نمی‌باشد بنه در این موضوع مذاکره اگر باشان در آنجا می‌افتاد میدانستند چقدر امتحان خوبست ما باید از کاین‌آفای مشیر الدوله مشترک باشیم که فضل و دانش را مناطق قرارداده و می‌گویید امتیاز فضلی باید شرط دخول در خدمت دولت باشد پس بنابراین چطورما می‌توانیم یک طائفه را مستثنی کنیم رابعاً بنه سوال می‌کنم کدام قانون و مجوزی حکم عقلی می‌کند بطلاً که در مدارس قدیمه همه نوع تحصیلات کرده‌اند